

# زنان

سال پنجم • فروردین ۷۵ • ۷۲ صفحه • ۲۰۰۰ تومان

۲۸

گفت و گو با  
ناهید شهید  
چرا آمد  
چرا رفت؟



۱۲۰ سوال

در اولین مصاحبه اختصاصی با «زنان»

فائزه هاشمی  
چه می گوید؟



ISSN 1021 - 4054

6

حلقه اطمینانی، بر آنچه که بیمه می کنید



بیمه آسیا

بیمه آسیا، مبتکر طرحهای نوین صنعت بیمه در کشور

# زنان

سال پنجم شماره ۲۸ فروردین ۷۵  
زنان نشرهای است اجتماعی که یکبار در ماه منتشر می‌شود.

سال نو مبارک

## سرخوان

- ۲ ... و زخم‌های من همه از عشق است: مدیر مسئول
- گزارش و خبر ۳
- خبر ۸
- فائزه هاشمی چه می‌گوید؟ ۱۸
- گفت‌وگو با تاهید شید ۲۶
- زنان سیاستمدار بر تارک جهان: لارا لیسوود، ترجمه رزا افتخاری

## اندیشه

- ۳۰ نوروز، عید اشیا، عید زنان: دکتر کتیون مزداپور
- ۴۸ چهار تلقی از فمینیسم: ترجمه س. امیری
- ۳۶ هرچه از دوست رسد...
- ۳۸ بدون شرح ...



## ادبیات

- ۲۵ این روزها حوا (شعر): مهروش طهوری
- ۴۶ یک اتفاق برای خانم «آ»: طاهره علوی

## هنر

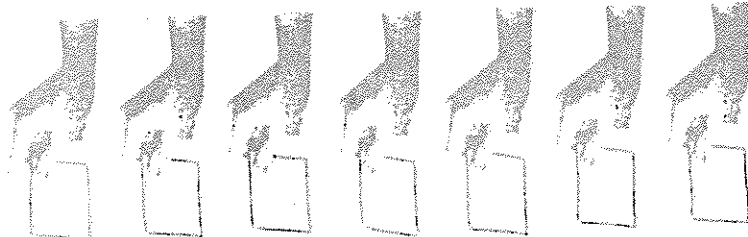
- ۵۴ گزارشی از چهاردهمین جشنواره فیلم فجر: الهام خاکسار
- ۶۰ نقش هنر: سپیده خانبلوکی

## حقوق

- ۲۰ گزارشی از حضور زنان در انتخابات: مهرانگیز کار

## علم

- ۳۴ اعتماد به نفس، یار بچه‌ها در تجارب تازه: کارن لوین، ترجمه پروش مؤدب
- ۳۷ تبخال، سمج و آزار دهنده: صفورا باغبانیان
- ۴۰ کتابخانه زنان: کلی امامی
- ۴۲ میه ترسناک فراموشی: لی اسمیت، ترجمه شیده امیرمعزی



صاحب امتیاز و مدیرمسئول: شهلا شرکت  
مدیر داخلی: رزا افتخاری  
ویراستار فنی: لیلا صمدی  
طراح گرافیک: کوروش شبگرد  
حروفچینی کامپیوتر: معصومه رحیمی  
چاپ رنگی: آبان، تلفن: ۳۱۱۳۳۲۲  
چاپ متن: چاپ گستر، تلفن: ۶۰۲۶۸۷۱  
روی جلد: لاله شرکت

License Holder & Editorial Director:  
Shahla Sherkat  
Zanan is a Persian - language Journal  
published monthly  
Each issue contains articles and reports  
related to the women's problems.

صندوق پستی: ۵۵۶۲ - ۱۵۸۷۵  
تلفن: ۸۳۲۲۹۸  
فکس: ۸۸۳۹۸۷۲  
شماره سریال بین‌المللی: ۴۰۵۲ - ۱۰۲۱

زنان در زمینه فعالیت‌های هنری، آموزشی و خدماتی آگهی می‌پذیرد.  
زنان در ویرایش و کوتاه کردن مطالب آزاد است.  
مطالب ارسالی بازگردانده نمی‌شود.  
حقوق چاپ و انتشار، نقل مطالب، طرح‌ها و عکس‌ها برای مجله زنان محفوظ است.

# روزنامه‌های من همه از عشق است

... و این منم ازنی تنها | در آستانه فصلی سرد | در ابتدای درک هستی آلوده  
دینم او یامی ...

مگر می‌شود سرمقاله اول بیمار را به «فصلی سرد» زد؟ خواننده چه می‌گوید؟  
او که خبر از تنهایی تو در آستانه ماه و فصل و سال ندارد. او مجله‌اش را  
می‌خواهد. بد باشد، استیضاح می‌شود. خوب باشد، مثل تماشاچی لحظه گل  
هورا می‌کشد، زنگی می‌زند و تبریکی و تحسینی و دیگر... باز تو می‌مانی و ...  
حق هم دارد، او که مسئول عشق یا جنون تو نیست. به هر صورت، مدیر داخلی  
با نظم آهنگش آمده و سرمقاله می‌خواهد. کاری هم ندارد که یک هفته است همه  
و خودش تا دو و سه نیمه شب کار کرده‌ایم. البته حق دارد. اگر این‌طور تا پای  
جان نظم را رعایت نکند، سنگ روی سنگ بند نمی‌شود. راستی من بدون این

بال چه‌طور می‌توانم بپریم؟  
درست است که سال نو شده ولی هنوز، ... این منم ازنی تنها | ...  
حاج آقا مزیدی زنگ می‌زند که یک آپارتمان ۹۰ متری پیدا شده. دو میلیون  
پیش می‌خواهد و ماهی ۱۵۰ تومان اجاره. او که در میان معاملات املاکی‌ها  
کلی فرهنگ است، با صاحبخانه چانه زده که اینها مجله درمی‌آورند و به مردم  
خدمت می‌کنند و طرف ۱۰ تومان از اجاره کم کرده. برق از سرم می‌پرد و سوژه  
سرمقاله هم. به حاج مزیدی می‌گویم که برای ما زیاد است، دنبال ۵۰ متر جا  
باشد و بعد فکر می‌کنم چه‌طور یک مجله را با این همه برو و بیا و تنوع کار در  
۵۰ متر جا بدهم؟ از این گذشته، با این رقم‌های نجومی باید فکر خرید کامپیوتر و  
چاپگر و برنامه حروفچینی را برای همیشه از سر بیرون کنم.  
تلفن زنگ می‌زند. از این فکر در می‌روم و می‌پرسم: کی پشت خط است؟  
- خانمی اصرار دارد با سردبیر حرف بزند.

روزی خط می‌روم. زن منی است که شوهرش گذاشته و رفته دنبال یک زن  
جوانا دلش شکسته و یک دریا درد از آن می‌ریزد بیرون. البته حق دارد، اینجا  
حرف نزنند، کجا بزنند؟ چه‌طور به او بگویم من امروز باید سرمقاله بنویسم؛ و  
چه‌طور بگویم و بگذارم او گریز بزند به همه خاطرات تلخ و شیرین ۲۰ سال  
زندگی مشترک؟! تنها راه چاره این است که همان‌طور که به او گوش می‌دهم،  
نامه‌های اداری را امضا کنم.

میان نامه‌ها سه نامه از دو کتابخانه و یک مرکز تحقیقات هست که تقاضای  
اشتراک رایگان دارند. خوب حق هم دارند، بودجه ندارند. این مادر دردمند تقریباً  
به آخر ماجرایش رسیده. راهنمایی‌اش می‌کنم کجا برود و چه کار کند که لااقل  
بتواند بخشی از حق و حقوقش را بگیرد و سر پیری با یکتا پیراهن توی خیابان  
نماند. و اما سرمقاله ...

- این خبرنگار آلمانی هنوز اینجا ایستاده!  
- قرار قبلی که نداشت.  
- تقصیر او نیست، ارشاد خیر نداده. خیلی هم دلخور است.  
- حق دارد. بنشینید بیستم چه‌کار باید کرد.  
- از مدرسه هم تماس گرفته که دخترتان تب دارد، بروید او را ببرید خانه.  
- ای وای!... بیستم تعمیرگاه چه شد؟  
- زنگ زدم، گفتند ماشین باید دو روز بخواهد.  
حق دارد چون ماشین ۲۰ ساله‌ای که شبانه‌روز دست‌کم ۲۰ کیلومتر  
می‌دود، گاهی باید دو روز بخواهد.

چه‌قدر کسر خواب دارم. زنگ می‌زنم از اولیای صبور مدرسه می‌خواهم  
یک تب‌بهر به بچه بدهند تا من برسیم. خودش گوشه را می‌گیرد و گریه‌کنان  
می‌گوید: «حق‌دانم قول می‌دهی و نمی‌آیی.» قول می‌دهم که بروم و با بغض گوشه  
را می‌گذارم. حق دارد طفلک.

مدیر داخلی می‌آید که: چاپخانه می‌گوید کاغذ نداریم. با آن‌که جواب  
همیشگی آنها را می‌دانم، باز سراغ کاغذ ارشاد را می‌گیرم. می‌گوید: موافقت  
شده بود ولی دوباره گفته‌اند اینها در اولویت قرار ندارند. حق دارند، ولی نعمتان  
دست‌ودلبازی که به «خوب‌ها» ۱۵ تن و ۲۰ تن از آن کاغذهای چهار تومان و  
پنج‌زاری «اعطا» کرده‌اند، دیگر آهی در بساط ندارند که ما «بدها» از آنها توقع  
توزیع سهمیه‌مان را داشته باشیم تا کاغذ دوست‌و‌هفتاد تومانی نخریم. از این  
گذشته، باز هم حق دارند. مالشان است، دلشان می‌خواهد به بعضی‌ها اعطا کنند  
و به بعضی‌ها اعطا نکنند. مقام محترم وزارت‌شان هم که گفته بود مطبوعات  
شعور استفاده از آزادی را ندارند، حق داشت. ما اگر شعور داشتیم، از آزادی  
خدادادی‌مان استفاده می‌کردیم و خودمان را در تله انتشار مجله نمی‌انداختیم،  
پولمان را می‌انداختیم توی بازار و یک زندگی شاهانه داشتیم و برای خودمان  
سلطنت می‌کردیم. بعضی شب‌ها که از شدت خستگی ماهیچه‌هایم گزگز می‌کند  
و از هجوم کابوس‌های منته‌نکارها و شرمندگی‌ها خوابم نمی‌برد، با خودم

می‌گویم دیگر بس است، فردا ... اما صبح که دوباره به دفتر می‌آیم، جریان کار  
آن‌قدر شتاب دارد که قشقه شب پیش از یادم می‌رود.

سعی می‌کنم خونسرد باشم و فعلاً به سرمقاله فکر کنم. ... و این منم ازنی  
تنها | در آستانه فصلی ...

یادداشتی روی میز من نشیند که روی آن یادآوری شده تعدادی از مطالب را  
هنوز ننوشته‌ام. اینها باید زودتر از سرمقاله بروند و تا شب مطلب و مطالب  
دیگری هم روی آن خواهد آمد. ضمناً، عکس‌ها را هم باید از عکاسی بگیرم.  
صدوق پستی پر از نامه‌های خواننده‌هاست و باید خالی شود. بلافاصله  
یادداشت بعدی که دخترتان ...

زنگ می‌زنم و از خواهرم می‌خواهم او را از مدرسه بگیرد و به خانه مادر  
ببرد تا من برسم. اینها هم از دست من خسته شده‌اند. حق دارند. راستی اگر اینها  
همه عمر دستم را نمی‌گرفتند... و مهد نجیب و دلسوز و مدرسه همراه ... دوباره  
صدای زنگ اضطراب‌آور تلقن ...

- خانم می‌خواهم خواهش کنم مصاحبه‌ی مرا از مجله حذف کنید.  
- بله؟! مجله دارد می‌رود زیر چاپ!  
- شما روزنامه‌نگارها باید آن‌قدر زنگ باشید که فوراً بتوانید مطلبی را  
جایگزین کنید.

- بدشانسی آورده‌اید! من روزنامه‌نگار بی‌دست‌و‌پایی هستم. ضمناً نمی‌توانم  
جواب هزینه‌ها را بدهم.  
- من اختیار مصاحبه‌ی خودم را دارم.  
- داشتید... حالا مشکل سر چیست؟

بالاخره توتوتوی قضیه را درمی‌آورم که نگران واکنش صحبت‌هایش است،  
حق هم دارد. در جوی که تروریست‌های حیثیت، همه جایش را شیمیایی  
کرده‌اند، آدم‌ها امنیت اجتماعی ندارند. آرامش می‌کنم و قدری با او راه می‌آیم.  
یک جریان دو روزه را طی می‌کنیم تا بالاخره با کلی اصلاحات، به چاپ  
رضایت می‌دهد؛ و صدای اعتراض دخترهای محبوب و خستگی‌ناپذیر مجله از  
تصویه گرفته تا حروفچینی برای این دوباره کاری بلند می‌شود که ... حق دارند. از  
دست این مجله زندگی ندارند، روزگار ندارند. اسیرشان کرده‌ام. اما چه کنم،  
هروقت بند از پایشان باز کرده‌ام، بیش از پیش فهمیده‌ام که آنها هم مثل من  
عاشق‌اند، تا سرحد جنون.

مادر زنگ می‌زند که بچه را برده دکتر، داروهایش را داده و حالش خوب  
است. خواهرش را هم از مدرسه گرفته و قرار است پدرشان بیاید و آنها را ببرد  
خانه.

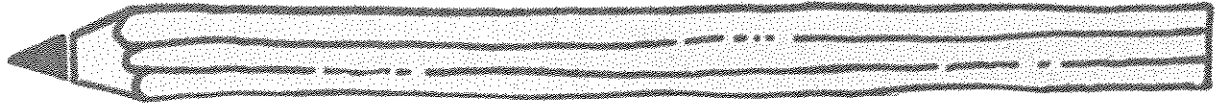
- تو واقعاً چه فکری می‌کنی که این‌قدر از نیروهای داوطلبت کار می‌کنی،  
حتی از مشاورها و کارشناس‌ها؟ ... به این دوست عزیز که دلش همه‌جا برای  
ما می‌تپد، می‌گویم:

- باور کن می‌خواستم قدرانی کنم ولی فقط یک برگ سبز داشتم.  
- چه‌طور ممکن است این‌قدر دست خالی باشی؟ ... حق دارد. باور کردنی  
نیست. و خودش می‌داند اگر آن نیروهای داوطلب نبودند، و این مشاوران، از  
حقوقدان و جامعه‌شناس و سینماگر تا ادیب و ژورنالیست و ... «زنان»ی در کار  
نیبود. ما از دانش آنها بهره می‌گیریم و از اخلاق‌شان درس. الحق که آنها  
سربازهای گمنام و اینها ژنرال‌های بلندپایه و ارج‌مند «زنان» هستند. همه بیم از  
آن است که یک روز «زنان» را تنها بگذارند... حق دارند، گاهی کلافه‌شان  
می‌کنم.

ساعتم را نگاه می‌کنم، دیگر به کلاس نمی‌روم. بهتر هم هست که نروم.  
جلسه قبل هم تمرین‌هایم را انجام نداده بودم، با نیم ساعت تأخیر هم رسیدم.  
فقط شناس آوردم تا دهانم را باز کردم که عذرخواهی کنم، استاد پرسید که من  
شاگرد تازه هستم و من هم برای آن‌که دروغ نگویم و با راست، سکوت کردم که  
فکر کرد علامت رضاست.

... نزدیک نیمه‌شب است. برای همکاران تاکسی می‌گیرم که بروند و خودم  
زنگ می‌زنم خانه که بیستم خوابند یا بیدار.  
- الان می‌آیی، شام را با هم بخوریم؟  
- بچه‌ها؟  
- غذایشان را داده‌ام، خوابیده‌اند.  
- غذایت را بخور، گرسنه می‌مانی.  
- می‌دانی که نمی‌خواهم مرغ خانگی باشی ولی بالاخره ...  
حق دارد. اگر او همراهی‌ام نمی‌کرد... زخم‌های من همه از عشق است / و  
حالا دیگر سرمقاله ...  
... و این منم ازنی تنها | در آستانه ...

مدیر مسئول



## زنان و مجلس پنجم

در جریان پنجمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، کاندیداهای زن با حضوری نسبتاً چشمگیر به میدان آمدند و در برخی موارد، با حذف رقیبان شناخته شده، در رده‌های بالای انتخاباتی جا گرفتند. در این دوره ۱۷۹ زن در سراسر کشور همراه با ۲۷۵۱ مرد بر سر کسب ۲۷۰ کرسی نمایندگی رقابت می‌کردند اما حضور زنان در تمام حوزه‌های انتخابیه به یک نسبت نبود. از میان ۱۹۶ حوزه انتخابیه، در ۱۱۴ حوزه ناسی از زنان در میان کاندیداهای به چشم نمی‌خورد و ۱۷۹ زنی که کاندیدای نمایندگی مجلس شده‌اند تنها مربوط به ۸۴ حوزه بوده‌اند. در واقع زنان در شهرهای بزرگ بیشتر از شهرهای کوچک نامزد نمایندگی شده بودند. در دوره اول دو نفر از زنان - فائزه هاشمی از تهران و مرضیه حدیدچی دباغ از همدان - به مجلس راه یافتند. در انتخابات ملایر و اصفهان نیز زنان در رده اول قرار گرفته و به مجلس راه یافتند که اگر شورای نگهبان انتخابات این دو حوزه را ابطال نکرده بود، چهار زن در دوره اول به مجلس راه یافته بودند.

نکته جالب توجه در این دوره، حضور چشمگیر زنان در رده‌های بالای متخبران شهرهای بزرگ بود. گذشته از تهران - که یک زن به رتبه دوم دست یافت - در اصفهان و تبریز و همدان نیز کاندیداهای زن رتبه اول را کسب کردند و در شهرهای شیراز و مشهد نیز در رده‌های بالا قرار گرفتند.

اکنون نیز برای دور دوم، ۱۹ زن در دور رقابت با ۲۲۹ مرد برای کسب کرسی‌های باقی‌مانده قرار دارند. از این میان، در تهران ۱۰ زن با ۲۶ مرد برای کسب ۲۸ کرسی

باقی‌مانده رقابت خواهند کرد. در هر حال، با وجود ابطال انتخابات برخی از حوزه‌ها، به نظر می‌رسد که حضور زنان نماینده در مجلس این بار بیش از دوره‌های قبل باشد.

## ابطال انتخابات بعضی حوزه‌های انتخاباتی

با ابطال انتخابات حوزه‌های اصفهان و ملایر، تعداد زنانی که در دور اول انتخابات به مجلس راه یافتند، کاهش یافت.

هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس پنجم، نتایج حوزه‌های انتخاباتی اصفهان و ملایر را ابطال کرد.

در این دو حوزه، نیره اخوان بیطرف (کامران) از حوزه انتخاباتی اصفهان و الهه راستگو از حوزه انتخاباتی ملایر، با کسب بیش از یک سوم آرا، فراتر برتر شناخته شده بودند.

اسحاق جهانگیری، استاندار اصفهان، ضمن ابراز تأسف از «حضور چهره‌های تند بعضی گرایش‌های سیاسی در ترکیب هیئت‌های نظارت برخی از حوزه‌های انتخاباتی استان اصفهان، از فقهای شورای نگهبان خواست مجاری اطلاع‌دهی خود را در این استان مورد بازنگری قرار دهند. اسحاق جهانگیری با تأکید بر این که تجدینظر در حکم شورای نگهبان به معنای تضعیف آن نیست، مصرازه از شورای نگهبان خواست در تصمیم خود تجدینظر کند.

پس از آن آیت‌الله رضوانی، رئیس هیئت مرکزی نظارت بر انتخابات مجلس پنجم، بررسی مجدد صحت انتخابات حوزه‌هایی نظیر اصفهان را غیرممکن دانست و علیرزاده، یکی از حقوقدانان شورای نگهبان، دلایل ابطال انتخابات اصفهان را دادن وعده‌های کلان،

نظیر ایجاد سترو و راه‌اندازی قطارهای برقی؛ عوام‌فریبی؛ سوءاستفاده از اعتقادات مذهبی مردم؛ چاپ انواع بروشور و پوسته‌های رنگی با هزینه‌های سنگین؛ دادن مهمانس‌های بسیار گسترده و خرید آرا اعلام کرد.

## فائزه هاشمی، رقیب رئیس مجلس



انتخابات دوره پنجم مجلس شورای اسلامی که روز ۱۸ اسفند ۷۴ برگزار شد، نتایج مهمی در پی داشت.

از آن جمله ورود فائزه هاشمی رفسنجانی، دختر رئیس‌جمهور، به مجلس در دور اول انتخابات بود. وی، با حدود ۲۷ هزار رأی کمتر، به‌عنوان نماینده دوم مردم تهران به مجلس پنجم راه یافت.

وی تا به‌رئیس کمیته ملی المپیک ایران، بنیان‌گذار و رئیس شورای همبستگی ورزش بین‌المللی کشورهای اسلامی، عضو شورای عالی ورزش کشور، رئیس کانون فارغ‌التحصیلان دانشگاه الزهراء، عضو شورای مرکزی شبکه ارتباطی غیردولتی زنان ایران، مشاور فرهنگی ورزش سازمان بهزیستی و عضو شورای ورزش وزارت علوم است. انتخاب فائزه هاشمی در دور

اول انتخابات و در حالی که نام وی تنها در یک فهرست انتخاباتی (کارگزاران) از چهار جناح مطرح در انتخابات تهران قرار داشت، باب بحث‌های بسیاری را در محافل باز کرد. از آن جمله رقابت تنگاتنگی وی با علی‌اکبر ناطق‌نوری، رئیس مجلس دوره چهارم بود. و شایع بود که وی با اکثریت آرا در صدر نمایندگان مجلس قرار خواهد گرفت.

روزنامه «سلا»، مورخ ۲۸ اسفند ۷۴، در این مورد نوشت: «خانم فائزه هاشمی بدون این‌که در لیست جامعه روحانیت باشد، رأی آورده‌است ولی معلوم نیست آقای ناطق نوری اگر در لیست کارگزاران نبود، باز هم در مرحله اول به مجلس راه یافته بود؟»

از مباحث شایع دیگر صحت آرای اعلام شده برای ناطق نوری بود که حتی منجر به اعتراض جمعی از دانشجویان شد. آنان با اعتراض به شیوه تنظیم نام کاندیداهای و این‌که نیسی از آرای وی بخشیده شده نام «نوری» برای ناطق نوری قرائت شده است، خواهان رسیدگی به موضوع شدند.

ناطق نوری در واکنش به این اعتراضات در مصاحبه‌ای گفت: «من اکنون فرزندم در «مدرسه‌ای که درس می‌خوانند به «نوری» شهرت دارند و بسیاری از نزدیکانم نیز به «نوری» مشهور هستند و در برخی از نامه‌هایی که هم‌اکنون خطاب به من نوشته می‌شود به عنوان «نوری» فرستاده می‌شود.»

## لوايح مطرح شده برای زنان در مجلس چهارم

یکی از نمایندگان زن مجلس چهارم مهم‌ترین طرح‌ها و لایحه‌های مربوط به زنان در مجلس دوره چهارم را اعلام کرد. وی در گفت‌وگویی با روزنامه «سنا»، مورخ ۱۲ اسفند ۷۴، این طرح‌ها را، که برخی از



آنها نیز تصویب شده است، بدین شرح اعلام کرد:

۱- با اصلاح قوانین ایجاد تسهیلات برای ورود رزمندگان در دوره‌های آموزش عالی، همسران جانبازان بالای ۵۰ درصد می‌توانند از سهمیه ۳۰ درصد ورود رزمندگان استفاده نمایند.

۲- مجوز پرداخت کمک هزینه عائله‌مندی به زنان شاغل و بانزشته‌ای که همسران آنها فوت کرده و یا از کار افتاده باشد.

۳- به موجب تصویب قانون حمایت از تغذیه یا شیر مادر، مرخصی زایمان به چهارماه افزایش یافته و کلیه ادارات موظف به ایجاد مهدکودک برای مادران شیره شده‌اند. ۴- طرح تقلیل ساعات کار بانوان به سه‌چهارم ساعات مقرر هفتگی.

۵- طرح بانزستگی زنان کارگر با ۲۰ سال سابقه کار.

۶- تصویب طرح قانون اعزام دانشجویان به خارج، که موجب آن دختران مجرد و بالای ۲۸ سال می‌توانند برای تحصیلات تکمیلی با استفاده از بورس تحصیلی به خارج اعزام شوند.

۷- طرح استمرار پرداخت حقوق همسران شهید بعد از ازدواج، که شور اول این طرح در کمیسیون مربوط به تصویب رسیده است.

۸- طرح اصلاح قانون طلاق که بر اساس آن مرد به هنگام طلاق موظف به پرداخت اجرت‌المثل می‌گردد.

۹- قانون تأمین زنان و کودکان بی‌سرپرست.

۱۰- اصلاح قانون شرایط

انتخاب قضات دادگستری که به موجب آن رئیس قوه قضاییه می‌تواند بانوانی که واجد شرایط می‌باشند را با پایه قضایی جهت تصدی پست‌های مشاورت در دادگاه‌های مدنی

خاص، قضایی تحقیق و اداره سرپرستی صغار، مستشاری اداره حقوقی و سایر اداراتی که دارای پست قضایی هستند، استخدام نمایند. ۱۱- براساس تبصره ۶۵ قانون برنامه دوم دولت مکلف است نسبت به ایجاد و اختصاص امکانات ورزشی برای دانش‌آموزان دختر و بانوان با در نظر گرفتن شئون زن در جامعه اسلامی اقدام نماید.»

### زنان در جشنواره چهاردهم فیلم فجر



در جشنواره امسال حضور زنان فیلمساز نسبت به دوره قبل کاهش چشمگیری داشت.

در جشنواره سیزدهم رخشان بنی‌اعتماد با فیلم دوسری آبی، تهمینه میلانی یا فیلم کاکادو و یاسمین ملک‌نصر با فیلم درد مشترک، حضور داشتند اما در جشنواره چهاردهم این فیلمسازان کاری ارائه ندادند و تنها مهستی بدیعی با دومین فیلمش، طالع سعد، در بخش مسابقه سینمای ایران شرکت کرده بود.

از میان جوایزی که زنان و مردان برای کسب آن رقابت می‌کردند، تنها شهرزاد پویا سیمرغ بلورین بهترین تدوینگر را برای فیلم سفر به چذابه (رسول ملاقلی‌پور)

به‌دست آورد.

از میان جوایزی که اختصاصاً به زنان تعلق می‌گرفت، فاطمه گودرزی سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش اول زن را برای بازی در فیلم عزّال (مجتبی راعی) دریافت کرد و پرورش نظریه سیمرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل زن را برای بازی در فیلم پدر (مجید مجیدی). همچنین، هینت داوران با اهدای دیپلم افتخار از بازی افسانه بایگان در فیلم خواهران غریب (کیومرث پوراحمد) تقدیر کرد.

### نمایشگاه تخصصی کتاب کودک و نوجوان

اولین نمایشگاه تخصصی کتاب کودک و نوجوان با شش هزار عنوان کتاب داخلی و خارجی در محل «شهر کتاب» برگزار شد.

این نمایشگاه شامل بخش کتاب‌های داخلی، خارجی و مرکز اطلاع‌رسانی بود و با هدف ایجاد ارتباط تنگاتنگ بین ناشران، نویسندگان و تصویرگران و رفع خلأهای اطلاعاتی موجود تشکیل شد که مورد استقبال و بازدید گسترده علاقه‌مندان قرار گرفت.

در این نمایشگاه تخصصی، که از ۲۳ بهمن تا پایان اسفندماه برپا بود، چندین ناشر خارجی جمعاً هزار و ۵۰۰ عنوان کتاب در معرض دید بازدیدکنندگان گذاشته بودند و علاقه‌مندان می‌توانستند کتاب‌های مورد علاقه خود را سفارش دهند و با عضویت در آن مرکز به صورت دائمی از امکانات اطلاع‌رسانی شهر کتاب استفاده کنند و از تازه‌ترین کتاب‌های منتشره خارجی و داخلی و آثار ترجمه آگاه شوند.

### درگذشت هنرمندی دیگر

کلارا آبکار، نقاش و مینیاتوریست

برجسته معاصر ایران درگذشت.



هنوز چند صباحی از درگذشت مینیاتوریست به‌نام ایران، سودابه بهارلو، نگذاشته که هنرمند زن دیگری را نیز از دست دادیم.

استاد آبکار از پرکارترین مینیاتوریست‌های ایران بود که بیش از ۴۰۰ اثر با ارزش از خود باقی گذاشته‌است. این آثار به طور دائم، در موزه مینیاتور آبکار (سعدآباد) در معرض دید مردم قرار دارد. او هرگز تابلوهایش را برای فروش عرضه نمی‌کرد.

این موزه در سال ۱۳۷۳، به پاس قدردانی از این هنرمند برجسته، به‌نام وی افتتاح شده‌بود. وی خانه شخصی خود را نیز به سازمان میراث فرهنگی اهدا کرده بود.

آبکار متولد سال ۱۲۹۴ و فارغ‌التحصیل هنرستان عالی بانوان در سال ۱۳۱۷ بود. او در سال ۱۳۲۰ از وزارت پیشه و هنر گواهینامه درجه اول مینیاتور و در سال ۱۳۶۸ از وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی گواهینامه درجه یک هنری گرفت. سازمان یونسکو نیز او را برجسته‌ترین نگارگر معاصر جهان معرفی کرده‌بود.

کلارا آبکار، هنرمند ارمنی و نگارگر سرشناس کشور، از پاییز گذشته به دلیل بیماری و کهنسنت در بیمارستان بستری بود و بالاخره در شب اول فروردین سال ۷۵

بدرود حیات گفت. روانش شاد و یادش گرامی باد.

### مجله «زنان» بر روی کامپیوترهای شما

با همکاری موسسه گسترش اطلاعات و ارتباطات فرهنگی ندارایانه، مجله «زنان» به صورت الکترونیکی در دسترس علاقه‌مندان قرار گرفت.

موسسه گسترش اطلاعات و ارتباطات فرهنگی ندارایانه، مجری طرح اطلاع‌رسانی عمومی شهرداری تهران، از مدتی پیش با کمک گروه متخصصان سیستم اطلاع‌رسانی کامپیوتری «ندا - یک» راه‌اندازی کرده است.

از تاریخ ۲۲ فروردین امسال، مجله «زنان» نیز به این سیستم پیوسته است. به این ترتیب، علاقه‌مندان می‌توانند با عضویت در این سیستم مجله «زنان» را بر روی صفحه نمایشگر کامپیوتر خود مطالعه کنند. روزنامه‌های همشهری نیز از مدت‌ها پیش در اختیار مشترکین ندا رایانه قرار داشته است.

### دانشمند زن ایرانی، برنده نشان نخل آکادمیک فرانسه



دکتر نسرین معظمی، مدیر گروه بیوتکنولوژی سازمان پژوهش‌های علمی و صنعتی ایران، معتبرترین

نشان آکادمیک فرانسه را دریافت کرد.

سفیر فرانسه این نشان را از طرف نخست‌وزیر فرانسه، برای قدردانی از خدمات علمی و فعالیت‌های شایان دکتر معظمی به او اعطا کرد.

دکتر معظمی دکترین میکروبی‌شناسی پزشکی از دانشگاه لارال کسانادا دارد. از جمله فعالیت‌های او تأسیس مرکز بیوتکنولوژی، تأسیس مرکز کلکسیون فارچ‌ها و باکتری‌های صنعتی و عفونی ایران و تأسیس مرکز تحقیقات بیوتکنولوژی خلیج فارس در منطقه آزاد قشم است.

اوایل فروردین ماه امسال، هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور، از طرح مرکز تحقیقات بیوتکنولوژی در قشم که قرار است تا دو ماه آینده به بهره‌برداری برسد، بازدید کرد. رئیس‌جمهور با تقدیر از خدمات دکتر معظمی، مدیر این مرکز، تشویق زنان کشور را برای فعالیت در قسمت‌های مختلف علمی و تحقیقاتی ضروری دانست.

### طرح سازش خانوادگی

به همت سازمان بهزیستی و دادگستری، برای حل اختلافات و جلوگیری از پاشیدگی خانواده‌ها طرح سازش خانوادگی در سراسر کشور اجرا خواهد شد.

دکتر جزائری، رئیس سازمان بهزیستی، در این مورد گفت: «این طرح براساس یک اصل قرآنی برای رفع اختلافات جزئی و با طولانی میان زن و شوهر و اعضای یک خانواده برنامه‌ریزی شده است.»

وی افزود: «این طرح هم‌اکنون با استفاده از آخرین شیوه‌ها و روش‌های علم روان‌شناسی اجرا

می‌شود و با اجرای آن مددکاران و کارشناسان سازمان بهزیستی عنوان «حکم» را میان دو نفر پیدا می‌کنند. این مددکاران با استقرار و حضور در مراکز دادگستری و دادگاه‌ها از لحظه ارجاع یک زن و شوهر به دادگاه و نوشته شدن یک دادخواست طلاق در جریان امور قرار خواهند داشت. نتایج این همکاری بین‌بخشی میان بهزیستی و دادگستری از هدر رفتن بسیاری از اوقات مفید کاری، انرژی‌ها، بوروکراسی‌های اداری و تردهای اضافی به دادگستری جلوگیری خواهد کرد.»

### نمایش آثار هنرمندان زن ایرانی در مونیخ

گروهی از زنان هنرمند ایرانی، در بهمن ۷۴، به دعوت انجمن دوستی ایران و بایرر مستقر در مونیخ برنامه‌ای تحت عنوان «زن ایرانی و هنر» اجرا کردند.

این برنامه در زمینه‌های گوناگون نقاشی کودک ایرانی، خط ایران و موسیقی سنتی بود: در بخش اول سارا ایروانی، با نمایش فیلم و اسلاید، نقاشی کودک ایرانی را معرفی کرد. در بخش دوم طاهره فراست اسلایدهایی از آثار خوش‌نویسان ایران از قرن ۱۱ میلادی تاکنون را نمایش داد و نقش زنان هنرمند در هنر خطاطی ایران را مطرح کرد. در بخش سوم نیز بهناز ذاکری قطعاتی از موسیقی سنتی ایران را اجرا کرد.

در این برنامه فیلم‌های گل‌های داوودی با بازی پروانه معصومی و زهان از دست‌دخته به کارگردانی پوران درخشنده به نمایش درآمد. در پایان مراسم نیز این دو هنرمند سینمایی با حاضران گفت‌وگویی داشتند.

### صدور گواهی تجرد

دختران و پسرانی که قصد ازدواج دارند، می‌توانند برای اطمینان از غیرمتاهل بودن همسر آینده خود از سازمان ثبت احوال «گواهی تجرد» بگیرند.

معاون حقوقی و سجلی سازمان ثبت احوال با اعلام مطلب بالا گفت: «بعضی از خانواده‌ها قبل از برگزاری مراسم عقد فرزند خود می‌خواهند مطمئن شوند که نامزد او پیش از این ازدواج کرده‌است یا خیر. در این صورت هر دختر و پسر برای اثبات مجرد بودن خود می‌تواند به سازمان ثبت احوال مراجعه کند و مسئولان سازمان پس از بررسی گذشته زندگی هر دختر یا پسر متقاضی، اگر پیش از این ازدواج نکرده‌باشد، برای او گواهی «تجرد» صادر خواهند کرد تا به خانواده مقابل بدهد.

با این اقدام جدید در صورتی که هر عروس یا دامادی ازدواج خود را کتمان کرده‌باشد، کامپیوترهای بانک اطلاعات سازمان می‌تواند حقیقت را روشن کنند.»

### موفقیت یک زن نقاش ایرانی

نقاشی مریم خزایی در میان ۱۲ اثر برگزیده نهایی نمایشگاه کلیولند انگلستان قرار گرفت.

در دوازدهمین دوره نمایشگاه کلیولند، هزار و ۸۰۰ اثر از نقاشان کشورهای آسیایی، اروپایی، آفریقایی و آمریکایی آثار خود را برای شرکت در مسابقه این نمایشگاه ارسال کرده بودند.

هیئت داوران این نمایشگاه مجموعاً ۸۰ اثر را به‌عنوان «ستار» و ۱۲ اثر را برنده نهایی شناخت. تابلوی «نگاه» مریم خزایی یکی از ۱۲ اثر نهایی این نمایشگاه بود. نمایشگاه کلیولند انگلستان روز

۱۸ اسفند افتتاح شد و همان روز جوایز برندگان نهایی را به برندگان اهدا کردند.

خرزایی از چهره‌های جوان و شناخته‌شده نقاشی ایران است. وی فعالیت جدی خود را از سال ۱۳۶۳ آغاز کرده و آثار خود را در چند نمایشگاه داخلی و خارجی به نمایش گذاشته‌است.

### جنون گاوی و بحران گوشت قرمز



در پی ابراز نگرانی مردم ایران از شیوع بیماری جنون گاوی در انگلستان، غلامرضا فروزش امکان ورود این بیماری را به ایران متنی دانست.

به دنبال بخش این خبر در ایران و ابراز نگرانی مردم، غلامرضا فروزش، وزیر جهاد سازندگی، با تکیه بر این مطلب که «مقدار واردات گوشت قرمز کشور در مقایسه با رقم مصرف بسیار ناچیز است و در مورد همین مقدار ناچیز هم نظارت دقیق کارشناسان دامپزشکی اعمال می‌شود، امکان ورود بیماری جنون گاوی به ایران را متنی دانست.

پس از اعلام نظر دانشمندان انگلیسی سنی بر آلوده بودن اکثر گاوهای این کشور به بیماری جنون گاوی (یاکوب)، کشورهای عضو اتحادیه اروپا خرید گوشت از انگلستان را منع کردند.

با اعلام موافقت وزیر کشاورزی انگلستان، چهار میلیون گاو انگلیسی به تدریج کشته خواهند شد. مدیران صنایع غذایی انگلستان گفته‌اند آن قسمت از اعضای بدن گاوهای بیمار - مانند ستون فقرات، امعاء و احشاء - که بیش از سایر قسمت‌ها ناقل

جنون گاوی هستند، از بدن گاوها جدا و در حرارت بالا سوزانده می‌شود. باقی اعضا نیز به پودر تبدیل شده و به دریا ریخته می‌شود. آلن واتسون، یکی از هواپازان محیط زیست، در این مورد می‌گوید: «عامل بیماری جنون گاوی (پروتئین «پریونز») می‌تواند خود را در آبزیان خوراکی دریا حفظ کند. آیا دولت می‌خواهد مردم پس از گوشت گاو اعتماد خود را نسبت به مصرف ماهی نیز از دست بدهند؟»

در همین زمینه سازمان بهداشت جهانی، با همکاری گروهی از متخصصان بیماری‌های روانی و پوستی و بهداشتی عمومی و دامپزشکی، اجلاس دوازده‌روزه‌ای برای بررسی راه‌های جلوگیری از گسترش این بیماری تشکیل داد.

در پی بروز این بحران، اکثر کشورهای واردکننده گوشت گاو از انگلستان، نظیر ترکیه، پاکستان، ایران و...، با وضع محدودیت‌های بهداشتی ویژه‌ای واردات گوشت از انگلستان و ایرلند را متوقف کرده‌اند.

### باز هم ایدز...

یک پزشک متخصص ایرانی با اعلام این خبر که ویروس بیماری ایدز می‌تواند از راه‌های بسیاری به افراد منتقل شود، بر ضرورت آشنایی مردم با این بیماری و نحوه جلوگیری از آن تأکید کرد.

پروفسور رحمت‌الله سمیعی، استاد رشته بیماری‌های پوستی دانشگاه فرانسه، در مصاحبه با خبرنگار خبرگزاری جمهوری اسلامی در پاریس گفت: «حتی افراد امداورسان که در بسیاری از موارد ملزم به دادن تنفس مصنوعی به فرد سانحه‌دیده هستند نیز در صورت ابتلای فرد به این بیماری در معرض انتقال ویروس از راه مخاط دهان قرار دارند که البته میزان موارد ابتلا از این طریق حتی در غرب بسیار نادر بوده است.» وی در ادامه با اشاره به احتمال سرایت این ویروس از راه جراحت‌های پوستی، رعایت برخی نکات بهداشتی از سوی مکان‌هایی چون آرایشگاه‌ها را ضروری دانست.

پروفسور سمیعی در مورد روش اخیر درمان بیماری ایدز که با استفاده

از ترکیب سه دارو صورت می‌گیرد، گفت: «برای صحت روش‌های جدید زمان لازم است زیرا حتی روش‌های جدید در مورد تمام بیماران صدق نمی‌کنند و به دلیل بروز عوارض جانبی در بیماران میزان موفقیت این روش‌ها را کاهش می‌دهد.»

### برگزاری جشنواره مطبوعات

سومین جشنواره مطبوعات از ششم تا ۱۲ اردیبهشت ماه جاری در نمایشگاه بین‌المللی برگزار خواهد شد.

مهندس محمدرضا دربندی، رئیس ستاد برگزاری سومین جشنواره مطبوعات، در مورد آثار ارسالی گفت: «بیش از شش هزار اثر مطبوعاتی در ۴۰ رشته برای شرکت در این جشنواره به ستاد برگزاری جشنواره ارسال شده است.»

وی در مورد نحوه گزینش بهترین آثار افزود: «اواسط فروردین ماه هر کمیته هشت اثر برتر را برای هیئت داوران ارسال خواهد کرد تا در نهایت هیئت داوران در هر بخش دو اثر را به عنوان کارهای برتر معرفی نماید.»

به گفته دربندی، در سومین جشنواره مطبوعات نمایشگاهی از ۴۰۰ عنوان مطبوعات مهم دنیا و صفحه اول ۶۰۰ روزنامه و مجله قدیمی همراه با شناسنامه آنها تشکیل می‌شود.

وی در ادامه افزود: «در حاشیه این جشنواره کنفرانس‌های روزانه‌ای تحت عنوان «مطبوعات و مصالح ملی»، «مطبوعات و توسعه» و «مطبوعات و دولت» با حضور مدیران مسئول و سردبیران نشریات مختلف کشور برگزار می‌شود.»

وی در مورد انتخاب بهترین آثار گفت: «در پایان جشنواره به بهترین نشریه کودک و نوجوان، بهترین نشریه خارجی‌زبان، بهترین نشریه‌ای که توجه به ایجاد زمینه تعالی افکار را داشته و بهترین سردبیر و خبرنگار جایزه ویژه تعلق خواهد گرفت.»

### استعفای خالده ضیا از مقام نخست‌وزیری بنگلادش

با وجود استعفای خالده ضیا،

بنگلادش هنوز صحنه برخورد جناح‌های مختلف سیاسی است.

انتخابات اخیر بنگلادش موجب واکنش شدید حزب «عوامی لیگ»، به رهبری شیخه حسینه، شد. مخالفان از مدت‌ها قبل خواستار برگزاری انتخابات تحت نظارت دولتی بی‌طرف بودند. به دنبال بالا گرفتن مخالفت‌ها با دولت، سرانجام در فروردین اسفند، خالده ضیا از مقام نخست‌وزیری استعفا داد.

محمد حبیب‌الرحمان، وزیر سابق دادگستری بنگلادش، جهت نظارت بر برگزاری انتخابات پارلمانی جدید، دولت بی‌طرفی تشکیل داده است. با این حال، هنوز درگیری میان طرفداران خالده ضیا و شیخه حسینه، رهبر اصلی مخالفان، ادامه دارد.

### درگذشت مارگریت دوراس

مارگریت دوراس، نویسنده و سینماگر فرانسوی در روز ۱۳ اسفند ۷۴ درگذشت.

دوراس در ۱۴ آوریل ۱۹۱۴



در هندوچین متولد شد. او یکی از پیشگامان رمان نو و جنبش مرفقی زنان بود. در آثار او مسائل و روابط اجتماعی با ذهنیات و درون انسان آمیخته است. او در سال‌های جنگ جهانی دوم، همراه نهضت مقاومت فرانسه مبارزه کرد و در سال‌های بعد نیز، در کنار فعالیت‌های ادبی، به مبارزات سیاسی خود ادامه داد.

دوراس در سال ۱۹۳۹ با نویسنده‌ای به نام روبر آنتولم ازدواج کرد. او در آثار خود از عشق، مرگ،



درد و دنیای پرتلاطم، وسیع و پر عاطفه زن می‌گوید و عمیق ضمیر انسان و تمایلات زن را بازمی‌نماید. برای زن آثار دوراس، عشق تنها پناهگاه است برای فرار از ملال زیستن.

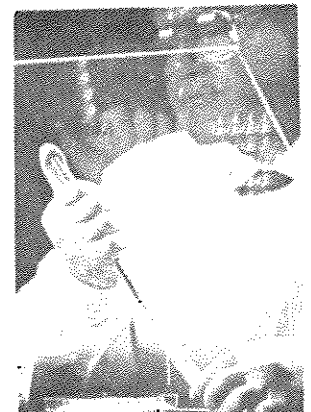
اولین اثر دوراس، بی‌شوهران، در سال ۱۹۴۳ منتشر شد اما از سال ۱۹۵۸، با انتشار رمان مَدِراتو کانتایله در زمره نویسندگان برجسته قرار گرفت. رمان عشق او نیز در سال ۱۹۸۴ از آکادمی گنگور جایزه گرفت و باعث شهرت بیشتر او شد. براساس چند اثر او نیز فیلم ساخته شده است. او خود نیز در زمینه فیلمسازی فعال بود و سه فیلم به نام‌های: لاهوریکا (۱۹۶۶)، آوای هند (۱۹۷۵) و کامیون (۱۹۷۷) ساخت.

دوراس آخرین اثرش را در سال ۱۹۹۵ در بستر مرگ نوشت. از او هشت کتاب به فارسی منتشر شده، از جمله امیلی آن؛ هیرودیسما عشق من؛ می‌گویند ویران کن؛ بعد از ظهر آقای آندوما؛ مَدِراتو کانتایله؛ باران تابستان و... و دو کتاب نیز در دست انتشار است.

### ▶ کشف روشی جدید برای جلوگیری از بارداری

سازمان بهداشت جهانی (WHO)، ضمن اشاره به تحولاتی که اخیراً برای جلوگیری از بارداری و کنترل مولید صورت گرفته است، اعلام کرد این بار این مردان هستند که مسئولیت جلوگیری از بارداری زنان را برعهده خواهند داشت.

شبکه خبری سی. ان. ان، با



اشاره به صحبت‌های دکتر فزد وو، عضو تیم بین‌المللی محققان دانشگاه منچستر انگلستان، اعلام کرد: با تزریق هفتگی آمپول‌های هورمون تستوستروم به مردان می‌توان با حفظ نیروی جنسی، تعداد اسپرم‌های تولیدشده را تا حدی که قادر به بارور کردن تخمک نباشند، کاهش داد. وی همچنین، با اتکا به نتایج آزمایش‌هایی که طی دو سال روی ۴۰۰ مرد و زن در نُه کشور جهان انجام شده است، موفقیت روش جلید را ۹۹ درصد پیش‌بینی می‌کند. تزریق بسیار دردناک این ماده که هر هفته باید صورت بگیرد، از اشکالات عمده این روش است. با این حال، کارشناسان در مورد رواج این روش بین مردان، ظرف ۱۰ سال آینده، ابراز امیدواری کردند.

### ▶ منع زنان افغانی از فعالیت‌های اجتماعی

گروه طالبان افغانستان، کلیه فعالیت‌های اجتماعی را برای زنان، در منطقه حاکمیت خود ممنوع کرد. دختران و زنان، در شهر هرات، از تحصیل و اشتغال محروم شدند. آنها باید هنگام خروج از منزل حتماً در معیت یک خویشاوند مرد باشند.

ممنوعیت کار زنان بر تحصیل پسران نیز اثر گذاشته زیرا اکثر معلمان مدارس زن بوده‌اند. دامنه این محرومیت به مراقبت‌های بهداشتی و پزشکی زنان نیز کشیده شده است؛ به طوری که یک مرکز آموزش پزشکی ویژه زنان که چندماه پیش افتتاح شده بود، اکنون تعطیل شده است.

شهر قندهار نیز وضعیتی مشابه شهر هرات دارد و مدارس دخترانه این شهر نیز از شهریورماه گذشته تعطیل شده است.

### ▶ کنفرانس جهانی سوءاستفاده جنسی از کودکان

به گزارش مقامات سازمان ملل، حدود دویست میلیون کودک در سراسر جهان به فحشا کشانده شده‌اند که نیمی از آنان آسیایی هستند. در هفته آخر فروردین ماه امسال، اجلاس ۱۳ کشور منطقه

ضدبازداری خواهد بود و احتمالاً عوارض جانبی بسیار اندکی خواهد داشت زیرا این گیرنده‌ها فقط در اسپرم و بی بی وجود دارد. وی با کمک پژوهشگران دانشگاه، هابکنیز در پی یافتن رایحه تخمک است.

### ▶ مهاجرت زنان کارگر آسیایی

حدود یکونیم میلیون زن آسیایی در کشورهای خارجی مشغول کار هستند.



به گزارش سازمان بین‌المللی کار، مسقر در لندن، میزان مهاجرت زنان کارگر آسیایی به کشورهای خارجی به شدت در حال افزایش است.

گفته می‌شود که درآمد این زنان مهاجر در کشورهای خارجی سه برابر درآمد داخل کشور آنهاست اما، در عین حال، تبعیض‌های بسیاری نیز بر آنان اعمال می‌شود، از جمله: عدم پرداخت حقوقی موعود، اجبار در ساعات کار بیشتر (تا حتی ۱۸ ساعت در روز)، نداشتن امکانات رفاهی و غذای کفایتی و نیز سوءاستفاده‌های جنسی.

بنابر همین گزارش اغلب زنان مهاجر از کشورهای فیلیپین، اندونزی، سریلانکا و تایلند هستند که منبع درآمد ارزی مهمی برای کشور متبوع خود فراهم می‌کنند اما به دلیل این‌که بسیاری از این زنان به طور غیرقانونی مهاجرت می‌کنند، تحت حمایت قانون کشور متبوع یا میزبان خود قرار ندارند. ■



جنوب شرقی آسیا، در شهر بانکوک در تایلند، که مرکز اصلی تجارت فحشا در آسیا شناخته شده است، برگزار خواهد شد. این اجلاس، در واقع، مقدمه‌ای است بر کنفرانس جهانی سوءاستفاده جنسی از کودکان که قرار است در ماه آگوست (مرداد ماه)، در استکهلم برگزار شود.

به گزارش شبکه خبری سی. ان. ان، علاوه بر این، ۳۰۰ هزار نوجوان زیر ۱۸ سال آمریکایی نیز به فحشا کشانده شده‌اند. نکته جالب این‌که بیشتر سوءاستفاده‌کنندگان والدین این کودکان هستند.

### ▶ تأثیر گیرنده‌های بویایی در باروری

گیرنده‌های بویایی، علاوه بر بینی، در اسپرم نیز وجود دارد.

دکتر رابرت لِنکوویتز از دانشگاه دوک آمریکا می‌گوید: «اسپرم‌ها با گیرنده‌های بویایی خود تخمک‌ها را می‌جویند و آنها را بارور می‌کنند.» وی معتقد است که می‌توان از این خصوصیت اسپرم برای تولید داروی ضدباروری استفاده کرد: «برای جلوگیری از بارداری باید دارویی ساخت که مانع فعالیت این گیرنده‌های بویایی در اسپرم شود. چنین دارویی مطلوب‌ترین داروی

○ در شرایط حاضر به  
ریاست مجلس هم فکر می‌کنید؟  
○ به ریاست جمهوری چه طور؟

○ اگر به جای شما برادران کاندیدا

می‌شد، فکر می‌کنید

همین قدر رأی می‌آورد؟

○ پکی - دو نشریه خیلی

به شما انتقاد کرده

بودند و یکی شان به شما توصیه

کرده بود که برای از بین بردن قبح

دوچرخه‌سواری، قهرمانانه،

سدشکنی کرده، شخصاً

یکی - دو ماه با دوچرخه در معابر

عمومی رفت و آمد کنید.

● فکر نمی‌کنم

این قضیه این قدر اهمیت

داشته باشد که نیاز به بحث باشد.

این‌ها جز‌های و هوی

چیزی نیست.



دو اولین مصاحبه اختصاصی با «زنان»

# فائزه هاشمی چه

از من اصرار که مصاحبه کند و از او انکار که تقاضای مصاحبه همه نشریات را رد کرده، از من استدلال که ما «همه نشریات» نیستیم و از قضا باید با یک مجله صنفی زنان مصاحبه کند چون هم به نفع اوست و هم احتمالاً بسیاری از مردم می‌خواهند بدانند چگونه توانسته بیش از ۳۵۰ رقیب انتخاباتی مرد را پشت سر بگذارد. باز از او امتناع که نمی‌خواهد مصاحبه سیاسی کند و از من که مصاحبه ما صنفی است، وانگهی این تازه اول ماجراست. از این پس او نیست که انتخاب می‌کند، از فردا باید جواب صغیر و کبیر، از رسانه‌های داخل و خارج گرفته تا مردمی را که به او رأی داده‌اند، بدهد. دست‌آخر نرمی او و سماجت من با هم می‌سازند و «بله» را می‌گیرم.

برای مصاحبه به دفتر «شورای همبستگی ورزش بانوان کشورهای اسلامی» در یکی از خیابان‌های خلوت زعفرانیه می‌روم. نمای بیرونی عمارت خیر از چیزی متفاوت در درون می‌دهد: بدون دردهای رایج وارد می‌شوم. مرا نمی‌گردند و سین جیمم نمی‌کنند. تا چند دقیقه انتظار بگذرد، نگاهم به اطراف سر می‌کشد: تدیس نیم تنه «پیر دوکویرتن» (بانی بازی‌های المپیک)، حلقه‌های المپیک و تابلوی پرچم‌های مؤسسان شورای همبستگی جلب توجه می‌کند. صدایم می‌کنند که برای مصاحبه داخل سالی شوم. در این سالن همه اشیاء با دقت کنار هم چیده شده‌اند. تابلوی نقش برجسته مس و برنز حمل مشعل اولین دوره بازی‌های بانوان کشورهای اسلامی و تابلوی بزرگی از صدسال نهضت المپیک دیوار را پوشانده است.

آیا دنیای این زن، که شاید به زودی بر کرسی نمایندگی مجلس تکیه زند، می‌تواند به ورزش محدود شود؟ وارد که می‌شود دست می‌دهد و سعی می‌کند نقطه زیباتری از اتاق را برای گفت‌وگو پیشنهاد کند. بی‌پیرایه شروع به پاسخ‌گویی می‌کند. سؤال‌ها را بدون ترتیبی که از قبل در ذهن چیده‌ام، مطرح می‌کنم. به‌منظرم روال طبیعی صحبت بهتر است و فضای گفت‌وگو را راحت‌تر می‌کند. با آن‌که می‌کوشد جانبداری‌اش از زنان از پرده بیرون نیفتد اما گاهی خود مُمِر از رازش برمی‌دارد. یک خط در میان اصرار می‌کند که او یک مقام دولتی نیست. صریح است و ظاهراً عافیت نااندیش. شاید نایابی این صفات در عرصه سیاست است که رأی‌دهندگان را خوش آمده است. این که سوی و سرشت سیاست تا چه حد تداوم این خصلت‌ها را مجال می‌دهد و این که او تا چه حد می‌تواند وابستگی خود را به واقعیت «دختر رئیس‌جمهور بودن» نادیده بگیرد، چیزی است که آینده نشان خواهد داد. ❏

است که همه به آن می‌پردازند و آن را کار خیلی واجبی نمی‌دانند. پس وقتی دولتی به ورزش بانوان به عنوان یک اولویت توجه کند، یعنی سایر مشکلاتشان حل شده که حالا رسیده است به ورزش.

● ورود شما به عرصه سیاست اتفاقی بود یا براساس یک برنامه قبلی؟

○ خیلی اتفاقی نبود، خیلی هم مطابق برنامه دراز مدت نبود. من کلاً آدم سیاسی‌ای نیستم، یعنی نبودم! بیشتر حوزه‌های فرهنگی - اجتماعی را برای فعالیت زنان می‌پسندیدم.

● هیچ برنامه‌ای نداشتید؟

○ ار کی؟

● از هر وقت.

○ خوب چرا. از چندماه قبل از انتخابات برنامه‌ریزی شد ولی خیلی وقت نبود، قوری بود. این که برنامه‌ریزی درازمدتی باشد، خیر.

● به فکر خودتان رسید که کاندیدا بشوید یا کسانی به شما توصیه کردند؟

○ به فکر خودم رسیده بود ولی خیلی جدی نگرفتم. بدم. بیشتر مواقع فکرمی‌کردم اگر بخوام ساعت‌ها روی یک صندلی ساکن باشم، خوابم می‌گیرد. برای این که اصولاً خیلی پرتحرکم و اگر بخوام یک‌جایی دو - سه ساعت ثابت بنشینم، نمی‌توانم تحمل کنم (با خنده). این شوخی است البته، زیاد جدی نگیرید. برای همین همیشه وقتی موضوع نمایندگی مجلس به‌ذهن می‌رسید، در خودم نمی‌دیدم که بتوانم یک صبح تا ظهر در مجلس دوام بیاورم.

شد، ورزش بانوان یک کار ناپسند به حساب می‌آمد؛ یعنی اکثریت افراد نظر خوبی نسبت به ورزش بانوان نداشتند و آن را یک کار فسادآمیز و خلاف اخلاق می‌دانستند. پس نیاز بود که ورزش بانوان بتواند جایگاه خودش را پیدا کند و مردم هم باورششان بشود که دارد کار فرهنگی می‌شود و این ورزش در مسیر درستی حرکت می‌کند. به‌دنبال پیشنهاد دیگران، من هم فکر کردم شاید به‌تدریج موسسیت خانوادگی‌ام بتوانم تا حدودی افکار مخالف را پاک کنم که خوب، به‌هر حال، این‌طور شد که من وارد ورزش شدم و بعد هم دیگر در این فضا جا افتادم و روزبه‌روز اعتقادم به ورزش بانوان بیشتر شد.

● منظورم این است که اگر مثلاً پُست دیگری هم به شما پیشنهاد می‌شد، ممکن بود آن را بپذیرید یا مشخصاً می‌خواستید به ورزش بپردازید؟

○ البته در طول کار پُست‌های زیادی پیشنهاد شد ولی من هیچ‌کدام را نپذیرفتم. به نظرم رسید که ما از نظر فرهنگی در حرف خیلی زیاد کار کرده‌ایم. حالا هم خیلی حرف می‌زنیم که زن این است، زن آن است، مقام دارد، هسته زن داریم، روز زن داریم، کنفرانس زن داریم، ... ولی من خودم به اینها خیلی اعتقاد ندارم چون معتقدم تا زمانی که عملاً نتوانیم اثبات کنیم دارای حقوق اجتماعی هستیم، هر چه قدر هم حرف بزنیم و از حقوق زن دفاع کنیم، بی‌اثر است. در این قضیه من ورزش را عملی‌تر از هر موضوع دیگری می‌دانم. به‌خصوص به‌دلیل بُعد بین‌المللی‌اش. چون ورزش، در واقع، آخرین چیزی

● در خانواده‌ای که سه پسر هست، چه‌طور شد شما جلو افتادید؟

○ من این را جلو افتادن نمی‌دانم چون معتقدم که هر کدام از این بچه‌ها، به‌هر حال، در زمینه‌ای دارند فعالیت می‌کنند.

● می‌خواهم بدانم چه شرایطی در خانواده یا احتمالاً چه ویژگی‌هایی در شخص شما وجود داشته که توانسته‌اید یک قدم از سایرین پیش‌تر بروید.

○ البته این نظر شماست. در خانواده ما هیچ‌وقت این‌طور نبوده که به پسر و دختر به دو چشم متفاوت نگاه شود؛ و این که پسر کاری را انجام بدهد ولی دختر نتواند. توجه خودم برای این قضیه این است که من چون در زمینه ورزش، که یک کار اجتماعی پر سروصدا و جنجالی بود، فعالیت می‌کردم و چهار - پنج سالی هم بود که روزنامه‌ها به این مطلب می‌پرداختند، مردم با من آشنا شدند و یک جایگاه اجتماعی پیدا کردم. شاید این یکی از مسائلی بود که باعث شد رأی بیاورم. این انتخابات هم نشان داد که مردم آن‌طور که ما فکر می‌کردیم، جناحی رأی نمی‌دهند و بین جناح‌های مختلف با افراد مستقل انتخاب می‌کنند و بعد رأی می‌دهند. به‌هر حال، من اعتقادی به این قضیه ندارم که جلوتر از بقیه هستم.

● چه‌طور شد که به عالم ورزش وارد شدید، آیا صرفاً چون یک فعالیت اجتماعی بود یا این که اصولاً به ورزش علاقه داشتید؟

○ این برمی‌گردد به ابتدای انقلاب. زمانی که انقلاب

# می‌گویید؟

مصاحبه: شهلا شرکت  
عکس: لاله شرکت



ولی، به هر حال، پیشنهاد و توصیه، به خصوص برای این دوره، خیلی شد و مردم خیلی دنبال این قضیه بودند. خیلی توصیه و تلفظ شد و باعث شد که من فکر عمیقی در این باره بکنم و ابعاد مختلفش را ارزیابی کنم. دست آخر به این نتیجه رسیدم که وقتی در ورزش بانوان - البته با کمک دیگران - توانستام تاحدی موفق باشم، شاید در مجلس هم بتوانم نقشی ایفا کنم.

● حالا من به کسانی که به شما رأی داده‌اند، بگویم که شما ممکن است روی صندلی مجلس خوابتان بگیرد!

○ نه، ان شاء الله باید برنامه‌ریزی کنم که خوابم نگیرد (می‌خندد). من معتقدم که آدم در هر کاری که وارد می‌شود، اگر فعال برخورد کند و نخواهد در آن بخش یک فرد عادی باشد، مسلماً موفق خواهد شد. یعنی اگر از ابتدا فقط به این صورت وارد شوم که من یک نماینده معمولی هستم، بله، ممکن است روی صندلی خوابم بگیرد ولی برنامه من این نیست.

● رشته دانشگاهی‌تان را هم براساس تصمیم جدید برای ورود به عرصه سیاست انتخاب کردید؟

○ من سال ۶۷ در رشته علوم سیاسی قبول شدم، مربوط به هفت سال پیش است. جدید نیست. در کشور ما افراد خیلی برنامه‌ریزی نمی‌کنند. رشته‌ای را که قبول شوند، می‌خوانند. من با توجه به این‌که دو سال پشت کنکور مانده‌بودم، در فکر نبودم که حالا چه رشته‌ای بخوانم چون معتقد بودم آدم هر رشته‌ای که بخواند، برایش شیرین می‌شود. آن موقع علوم سیاسی قبول شدم، حالا هم حقوق بین‌المللی در مقطع فوق‌لیسانس می‌خوانم.

● در مورد خانواده هاشمی همیشه شایعاتی وجود داشته و ما هم به دلیل ابهاماتی که وجود داشت، نتوانستیم اطلاعات خیلی دقیقی راجع به شما به‌دست بیاوریم.

○ خوب شما ابهامات را بگویید، من جواب بدهم.

● کمی راجع به خودتان صحبت کنید.

○ ما کلاً پنج بچه هستیم. سه پسر و دو دختر. من سومین فرزند هستم. اولین فرزند، خواهرم، فاطمه است. بعد محسن، برادرم. بعد من و بعد مهدی، بعد هم یاسر. بزرگترین فرزند ۲۵ سالش است و کوچک‌ترین ۲۴ سال. همه ما به نحوی در فعالیت‌های اجتماعی هستیم، بدون این‌که در زمینه‌ای فعالیت اقتصادی داشته باشیم. یعنی خود من که هفت سال است وارد این کار شده‌ام، تا حالا یک قران از دولت دریافت نکرده‌ام و از امکانات کمیته المپیک و ورزش هم به هیچ وجه استفاده نکرده‌ام. ما همیشه سعی کرده‌ایم از نظر اقتصادی خودمان را از مسائل دولتی جدا بدانیم. یکی از دلایل عمده آن هم همین شایعات است. البته نایزی هم نبوده چون ما هدفی غیر از این داشته‌ایم. همه ما به این نیت وارد کار شده‌ایم که چون دسترسی بیشتری به رئیس‌جمهور داریم، امکانات بیشتری برای کار فراهم کنیم و همیشه هم منشأ اثر بوده‌ایم.

البته همیشه حمایت آقای هاشمی بوده و ما معمولاً هیچ کاری را بدون مشورت با ایشان انجام نمی‌دهیم. خواهر من در چند مرکز خیریه و انجمن بیماران تالاسمی و بیماران کلیوی فعالیت می‌کند و همچنین انجمن همبستگی زنان را تأسیس کرده. برادرم رئیس بازرسی ویژه است و در خود ریاست جمهوری کار می‌کند. خود من که نایب‌رئیس کمیته المپیک و رئیس شورای همبستگی ورزش بانوان کشورهای اسلامی هستم. برادر دومم با وزارت نفت همکاری دارد و برادر کوچکم با جهادسازندگی.

● شایع است که کیش را خانواده شما در دست دارد یا سوپرا را یا...؟

○ شایعاتی که در مورد ما هست، به خصوص در مورد برادرهایم؛ که مثلاً «کیش» مال اینهاست، «دوو» مال اینهاست، «سوپرا» مال اینهاست، هیچ کدام حقیقت ندارد. البته «سوپرا» مربوط به یکی از فامیل‌های دور ما بود. نمی‌دانم، به عمد یا به سهو، این شایعات ایجاد شده که مثلاً کار خودشان را رونق بدهند؟ یا در مورد کیش، اصلاً نمی‌دانم این شایعه از کجا درآمده که می‌گویند کیش مال مهدی ماست؟! البته شایعات خیلی هم بی‌دلیل نیست؛ با یک برنامه‌ریزی درمی‌آید و تقویت می‌شود و هدفی را دنبال می‌کند ولی من معتقدم که وقتی ارتباطات بیشتر شود و در جاهای مختلف مطرح شود، مردم متوجه می‌شوند که چنین چیزی وجود ندارد.

● راجع به خودتان و زندگی شخصی‌تان؟

○ من حدود ۱۷ سال است که ازدواج کرده‌ام. شوهرم روان‌پزشک است. دو بچه دارم: یک دختر ۱۳ ساله و یک پسر هشت ساله، و زندگی می‌کنیم دیگر...

● یکی از شایعات رایج دیگر این است که شما از شوهرتان جدا شده‌اید، درست است؟

○ این را هم می‌توانید تکذیب کنید.

● خوب، حالا بگویید ریاست خانواده با چه کسی است؟

○ کلاً من کارهای خودم را انجام می‌دهم، شوهرم هم کارهای خودش را. در مسائل اجتماعی کاری به هم نداریم و در مسائل خانوادگی هم که خوب شریک هستیم و با هم زندگی می‌کنیم. نمی‌توانم بگویم رئیس چه کسی است.

● پس شریک دارید نه رئیس؟

○ بله، واقعاً همین‌طور است.

● در خانواده پدری چه‌طور؟

○ آنجا هم همین‌طور. اصلاً ریاستی به آن معنی وجود ندارد ولی کلاً در شهر ما زن‌سالاری بیشتر است.

● می‌توانید کمی از زندگی روزانه خودتان برای ما بگویید؟

○ الان که دوران مدرسه‌هاست، از خواب که بلند می‌شوم، بچه‌ها را بیدار می‌کنم و برای رفتن به مدرسه آماده‌شان می‌کنم. در واقع کارهای خانگی بیشتر با خود من است. آنها را می‌فرستم می



● خیلی حرف می‌زنیم که زن این است و زن آن است و مقام دارد. هفته زن داریم، روز زن داریم، کنفرانس زن داریم، ... ولی من خیلی به اینها اعتقاد ندارم.

خودم می‌آیم اداره. ملاقات‌های مردمی، کارهای ورزشی و جلسات معمولاً تا ساعت سه - چهار طول می‌کشد و سعی‌ام این است که وقتی بچه‌ها می‌رسند خانه، من خانه باشم ولی ۹۰ درصد اوقات موفق نمی‌شوم چون دم آخر آنقدر اینجا شلوغ می‌شود که نمی‌شود کنترلش کرد. این کلاً همیشگی بچه‌های من است. انتظارشان این است که وقتی می‌آیند خانه، من خانه باشم و از آنها استقبال کنم. البته برنامه من این است که این طرف سال این برنامه را کمی جدی‌تر بگیرم چون احساس می‌کنم در این زمینه واقعاً دارد به بچه‌ها ضربه می‌خورد.

● شما در جواب این توقع آنها چه می‌گویید؟

○ من به آنها حق می‌دهم. می‌گویم دیگر تکرار

نمی‌شود ولی آنها از قدر از این قول‌ها از من شنیده‌اند که می‌گویند: «تو فولت فول نیست» و حرفه‌های مرا خیلی باور نمی‌کنند؛ به‌خصوص در این جریان انتخابات، چون به‌رحال فعالیت من خیلی زیاد بود و شبانه‌روزی خانه نبودم ولی خوب راضی‌شان کرده‌بودم که: این دوره محدود است، همین ده روز است و تمام می‌شود. حالا هر موقع می‌خواهم از منزل بیرون بیایم، می‌گویند: «تو که گفتی همان ده روز است.» به‌رحال، یک‌طوری راضی‌شان می‌کنم.

● این‌که عکس شما در نشریات چاپ می‌شود یا این‌که به‌رحال فرد مشهوری هستید، آنها را راضی نمی‌کند یا با آن پُر نمی‌دهند؟

○ چرا، بزرگ می‌دهند ولی بیشتر اوقات به من می‌گویند تو آبروی ما را می‌بری (می‌خندد).

● چرا؟

○ مخصوصاً دخترم؛ درباره‌ی عکس‌های تبلیغاتی من که جلوی مدرسه‌شان زده بودند، می‌گفت: «تو آبروی ما را بردی، چرا عکس‌ت را آنجا زده بودند؟» ولی بعد که نتیجه‌ی انتخابات معلوم شد، خیلی خوشحال شد. در مدرسه هم که مرتب به او می‌گفتند: «سادرت برنده شد» یا: «ما به سادرت رأی دادیم»، برایشان باعث افتخار بود. دخترم که ۱۳ ساله و حساب‌سرت است، می‌گوید: «به من چه ربطی دارد؟ من می‌خواهم تو در خانه باشی. این برای من مهم است.»

● نمی‌گویند که در آینده ترجیح می‌دهد یک زن خانه‌دار باشد؟

○ اتفاقاً یک‌میدت مونا همین را می‌گفت. وقتی از او می‌پرسیدند ورزش را دوست داری؟ می‌گفت: «از ورزش متنفرم. چون ماساژم به خاطر ورزش بیشتر وقت‌ها خانه نیست.» ولی، الحمدلله، الان دارد به فعالیت‌های اجتماعی، یعنی کلاس‌های مختلف کشیده می‌شود و به رشته‌های ورزشی علاقه‌مند شده است و کم‌کم دارد به این وضعیت عادت می‌کند.

● دخترتان کلاس چندم است؟

○ اول راهنمایی.

● بچه‌ها مدرسه غیرانتفاعی می‌روند؟

○ بله.

● معتقد هستید بچه باید برود مدرسه غیرانتفاعی؟

○ معتقد نیستم، نه چون بچه اگر درس خوان باشد، هر کجا که باشد درسش را می‌خواند.

● پس چرا به مدرسه غیرانتفاعی می‌روند؟

○ دخترم را چون مدیر مدرسه‌اش مدیر خودم هم بود و خاطرات خوبی از او داشتم، به آن مدرسه می‌فرستم. از این گذشته من به دلیل اشتغال زیاد ناچارم دخترم را به مدرسه‌ای بگذارم که ساعت کارش تا بعدازظهر باشد.

● خوب، حالا وقتی بروید مجلس، گرفتاری‌تان بیشتر نمی‌شود؟

○ من اعتقاد دارم آدم هرچه کارش بیشتر شود، منظم‌تر می‌شود. باید تنظیم کنم دیگر.

● برای درس بچه‌ها چه‌کسی با آنها سروکله می‌زند؟

○ من معمولاً بدون من درس نمی‌خوانند. البته مونا الان رسیده اول راهنمایی. من دیگر خیلی کارش ندارم چون باید روی پای خودش بایستد. ممکن است سال اول با مشکل روبه‌رو شود ولی تشویقش می‌کنم. من البته دقیقاً نودی‌ام، یعنی در طول نثت خیلی کارشان ندارم. ولی شب امتحان می‌گیرمشان (می‌خندد) چون نمره نثت می‌ماند.

● پسران کلاس چندم است؟

○ دوم دبستان.

● می‌دانید «آی استنا چیست؟

○ «آی استنا؟ نه!

● چرا؟ مگر با پسران کار نمی‌کنید؟

○ چرا کار می‌کنم.

● پس یک مثال از «آی استنا» بزنید.

○ یادم نیست. آخر سال کلاس اولش است (می‌خندد). از من پرسید شب قبل شام چه خوردی، یادم نیست. حالا یک سؤال راحت‌تر بکنید من جواب بدهم (می‌خندد).

● در کار خانه کسی کمک‌تان نمی‌کند؟

○ به‌طور دائمی خیر ولی «فتنگی» چرا. البته ما چون خانوادگی در یک مجتمع زندگی می‌کنیم، بالاخره همه به هم کمک می‌کنیم.

● خرید خانه با کیست؟

○ تا یکی - دو سال پیش با خودم بود ولی از آن به بعد با همسرم است.

● یعنی اگر بپرسم شماره آخرین گوین گوشت اعلام شده چند است، خبر ندارید؟

○ نه، خبر ندارم.

● خبر هم ندارید مرغ کیلویی چند است؟

○ می‌دانم که روزی‌روز دارد گران‌تر می‌شود ولی قیمت‌ها را دیگر سؤال هم نمی‌کنم.

● یعنی این‌طور نیست که وقتی مرغ را از فریزر درمی‌آورید، دست و دلبتان پلرزد برای پختنش.

○ راستی اصلاً خودتان آشپزی می‌کنید؟

○ بله.

● شوهرتان فقط در کار خرید مشارکت می‌کنند؟

○ نه، او همراه خوبی است چون، به‌رحال، اکثر اوقات که من خانه نیستم، پیش بچه‌هاست. در کار بچه‌ها هم خیلی کمک می‌کند. من در این زمینه مشکل ندارم.

● یعنی آن‌قدر که بچه‌ها غر می‌زنند، ایشان غر

نمی‌زند؟

○ نه، ایشان اصلاً غر نمی‌زنند ولی بچه‌ها آن‌قدر غر می‌زنند که من دیگر واقعاً ترسیده‌ام و باید یک فکری برایشان بکنم. یعنی من از تنها کسی که واقعا حساب می‌برم، دخترم است. حتی طوری شده که گاهی اوقات که مثلاً زنگ می‌زنم و می‌گویم کمی دیر می‌آیم، اعتراض می‌کند طوری که اگر هرکسی اینجا باشد، صدایش را می‌شنود که می‌گوید: چرا بدقولی؟ چرا عمل نمی‌کنی؟ و از این حرف‌ها.

● گفتید که خانواده شما فقط ترجیح می‌دهند خدمت کنند و از منابع دولتی درآمدی نداشته باشند. علتش این نیست که از جای دیگری تأمین هستید؟

○ خانواده ما از قدیم‌الایام وضع معمولی و متعادل داشته. شوهرم هم روان‌پزشک است و زندگی را تأمین می‌کند.

● پس شما علی‌غم این‌که شاغل هستید، چند تا پُست مهم هم دارید، پول توجیبی‌تان را از شوهرتان می‌گیرید؟

○ بله!

● فکر نمی‌کنید که یکی از زمینه‌های رشد زنان داشتن استقلال اقتصادی است؟

○ اصلاً اعتقاد دارم که باید باشد. شخصی من که نباید الگو باشم. من به دلیل موقعیت پدرم و به‌رحال حرف و حدیثی که وجود دارد، ترجیح می‌دهم از امکانات دولتی استفاده نکنم چون حرفش بیشتر از دخلش است. ولی اعتقادم بر این است که

یکی از شایعات رایج دیگر این است که شما از شوهرتان جدا شده‌اید،

درست است؟





● به خاطر شما!

○ آخر کسی به من کاری ندارد (می‌خندد) بعد هم اینجا دفتر بین‌المللی است. دفتر شورای همبستگی است و ما ارتباطات بین‌المللی داریم.

● شما با محافظ از محل کارتان خارج می‌شوید؟ یا راننده دارید؟

● [کاندیداتوری مجلس] به فکر

خودم رسیده بود ولی

خیلی جدی نگرفته بودم.

بیشتر مواقع فکر می‌کردم اگر

بخواهم ساعت‌ها روی یک صندلی

ساکن باشم، خوابم می‌گیرد.

○ نه، من خودم رانندگی می‌کنم. ماشین خودم است.

● ماشین‌تان چیست؟

○ پژو.

● مدلش چیست؟ ۹۵ - ۹۶؟

○ نه، پژوی ایران است. مال ایران خودرو.

● هزینه‌ی دکور این ساختمان هم به عهده شورا است؟

○ مخارج اینجا اکثراً از کمک‌های مردمی تأمین می‌شود و زیبایی اینجا با سلیقه و یک بودجه‌ی خیلی محدود به‌وجود آمده. یکی میل زیباتر می‌گیرد، یکی میل بدتر. یا تابلو را همه برای دفترشان می‌گیرند. کسی که سلیقه به کار رود، همه چیز زیبا می‌شود.

این دفتر به‌هرحال آبروی ورزش زنان ایران در خارج از کشور است؛ با توجه به این‌که مقامات خارجی و خبرنگاران آنها به این دفتر رفت‌وآمد می‌کنند.

● شما برای دکوراسیون دفترتان مشاور هم دارید؟

○ نه.

● سلیقه‌ی خودتان است؟

○ تا حدودی.

● این سؤال ممکن است بعدها در مجلس از شما بشود، این است که اگر چاپ کنیم، زحمت بعدی‌تان کم می‌شود. منزل مسکونی شما اجاره‌ای است؟

○ نه.

● شما در خانه ویدیو هم دارید؟

○ یک ویدیو داریم ولی الان سال‌هاست که خراب است.

● ماهواره چه‌طور؟

○ نه، نداریم.

زن همیشه باید دنبال منابع اقتصادی‌اش باشد. البته گاهی منبع اقتصادی مستقل به کانون خانواده ضربه می‌زند. یعنی اگر آمار را بگیری، در اکثر خانواده‌هایی که زنان برای خودشان درآمدی دارند، قدرت بیشتری دارند چون می‌دانند که خودشان می‌توانند خود را تأمین کنند.

● پس استقلال اقتصادی را مثبت نمی‌دانید؟

○ هم مثبت می‌دانمش و هم منفی. مثبت مطلق نمی‌بینم چون معتقدم که شاید هنوز همه افراد به آن رشد فرهنگی نرسیده باشند که این مسئله را با مسائل خانواده‌شان قاطی نکنند.

● یعنی به ظرفیت افراد بستگی دارد؟

○ بله. خیلی‌ها چون خودشان مستقل هستند، سر کورچک‌ترین چیزی ایجاد اختلاف جدی می‌کنند که گاهی نیز به طلاق می‌انجامد. وقتی دلیل طلاق را جویا می‌شوید، واقعاً هیچ دلیل حادی برای آن نمی‌بیند. این را بی‌ظرفیتی می‌دانم، البته نه فقط در مورد زنان. در مورد مردان هم همین‌طور.

● وقتی ما وارد اینجا شدیم، حس کردیم وارد محیط متفاوتی شده‌ایم؛ به لحاظ زیبایی و آراستگی محیط. نکته‌ای هم که برای من جالب بود، این بود که کسی ما را نگفت.

○ مگر بقیه جاها می‌گردند؟

● خیلی جاها، آن هم در چند خوان.

○ آخر اینجا که کسی نیست. برای چه بگردند؟

● یعنی قبل از این‌که جمع شود هم نداشتید؟

○ نه. چون خیلی وقت بچه‌ها را می‌گیرد. علاوه بر این، چون من خودم هم خانه نیستم، قابل کنترل نیست. اگر قرار باشد از ماهواره استفاده شود، باید از برنامه‌های مفیدش استفاده کرد؛ به‌خصوص برای بچه‌هایی که هنوز به سن تشخیص نرسیده‌اند چون ضررش برای آنها بیشتر است.

● ولی شما یک‌بار گفته بودید که نباید جلوی ماهواره را گرفت؟

○ من گفته بودم که محدودیت تنها راه جلوگیری از تهاجم فرهنگی نیست. چون معتقدم محدودیت آدم‌ها را جری‌تر می‌کند و آن‌که بخواهد دسترسی پیدا کند، به‌هرحال راه خودش را پیدا می‌کند و نمی‌شود جلوی او را گرفت.

● پس به‌نظر شما باید چه کار کرد؟

○ این برمی‌گردد به برنامه‌های من در آینده. واقعاً باید روی مسائل جوانان کار شود. باید برای آنها خوراک ایجاد کرد و از نظر فرهنگی، اعتقادی، علمی و غیره تأمین‌شان کرد. وارد ریزش نمی‌شوم چون فعلاً نمی‌خواهم در مورد برنامه‌هایم صحبت کنم.

● می‌توانم بپرسم چرا این‌قدر از مطرح کردن برنامه‌هایتان پرهیز می‌کنید؟

○ برای این‌که الان وقتش نیست.

● از چه نظر؟

○ از نظر زمانی و برای این‌که آدم باید برنامه‌ی پخته‌شده‌ای ارائه دهد؛ به‌خصوص این‌که مردم الان گوش به‌زنگ هستند ببینند من چه می‌خواهم بکنم. من منتظر دوره‌ی دوم انتخابات انجام شده، ببینم چه کسانی به مجلس می‌آیند، ببینم کدام کمیسیون را انتخاب می‌کنم - هنوز انتخاب نکرده‌ام، زود است - شرایط سیاسی را بسنجم و آن وقت روی یک طرح پخته و حساب‌شده حرف بزنم.

● خودتان هیچ گزایشی به پیشنهاد کمیسیون خاصی ندارید؟

○ در حال حاضر، خیر.

● حتی زنان یا خانواده؟

○ نه، من نماینده‌ی مردم هستم. مردم شامل زنان و مردان می‌شوند و مسائل مختلفی در جامعه ما مطرح است که بخشی از آن مسئله‌ی زنان است که باید روی این قضیه کار شود.

● قطعاً شما در مجلس در جریان همه‌ی مسائل خواهید بود ولی با مشکلاتی که زنان ما دارند، حق این است که شما و سایر زنان نماینده برای تشکیل کمیسیون زنان یا خانواده تلاش کنید.

○ الان ما از نظر مسائل فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مرحله‌ی خاصی به‌سر می‌بریم. الان هفت سال است که برنامه‌های سازندگی کشور در همه‌ی ابعادش - که یکی از آنها هم مسئله‌ی زنان است - شروع شده. ادامه‌ی این فعالیت‌های سازندگی - در بُعد داخلی و خارجی - به‌نظر من تلاش بسیار زیادی می‌خواهد. پس باید کار را در بُعد کلان‌نگاه نگاه کنیم. اگر این برنامه موفق شود، مسئله‌ی زنان هم

موفق می‌شود.

● خانم هاشمی تلویزیون هم نگاه می‌کنید؟

○ وقت داشته‌باشم، بله، گاهی.

● چه برنامه‌هایی را؟ کلاً فکر می‌کنید تلویزیون چه‌کار دارد می‌کند؟

○ در کنار کارهای خوب، گاهی فرهنگ عوام را رایج می‌کند. متأسفانه، می‌بینم کلمات خیلی عادی، خیلی پیش‌پاافتاده و حتی خیلی بد از نظر فرهنگی، تکرار می‌شود و روی بچه‌ها و جوان‌های ما اثر می‌گذارد. ما در عین این‌که باید فرهنگ خودمان را پاس بداریم، باید فرهنگ بهتر و آن چیزی را که درست‌تر است، آموزش بدهیم. متأسفانه، سطح برنامه‌های تلویزیون از نظر فرهنگی خیلی پایین آمده.

● راجع به نقش‌هایی که از زن ارائه می‌دهند، چه نظری دارید؟

○ غالباً خوشم نمی‌آید. بیشتر مسائلی که از زنان مطرح می‌کنند، برای من جالب نیست. بسیاری اوقات زنان را ذلیل و توسری‌خور نشان می‌دهند. من به تهاجم معتقدم. زنی را هم که قدرت دارد، در چهره خیلی منفی مطرح می‌کنند که من به عنوان چهره یک زن اجتماعی نمی‌پسندم. همان‌طور که آقای هاشمی بارها گفته‌اند، درست است که زنان باید به وظایف خانگی‌شان برسند و مهم‌ترین وظیفه‌شان نگهداری کانون خانوادگی است ولی در کنار آن باید استعدادهایشان را هم پرورش بدهند. متأسفانه در تلویزیون زن را به عنوان یک خانه‌دار صرف نشان می‌دهند که فقط باید جای دست این بدهد و لباسی آن را بشوید.

● کتاب هم می‌خوانید؟

○ گاهی بله.

● آخرین کتابی که خواندید، چه بود؟

○ معمولاً کتاب‌های تاریخی می‌خوانم. سال شاه بود، تاریخ پهلوی، اسمش خاطرم نیست.

● کتاب احسان نراقی، از کاخ شاه تا زندان اوین؟

○ بله و یک کتابی بود مربوط به ملکه ویکتوریا.

● نظرتان در مورد کتاب احسان نراقی چه بود؟

○ بین کتاب‌هایی که از این موضوع خوانده بودم، جدی‌تر مسئله را بررسی کرده بود. کمی سنگین‌تر از سایر کتاب‌ها بود.

● راستی نظرتان راجع به شاه چیست؟!

○ یعنی چه؟! (با تعجب).

● یعنی شاه واقعاً که بود؟

○ خوب، به‌رحال انقلاب که شد، معلوم شد که شاه چه بود.

● می‌خواهم نظر شما را بدانم.

○ خوب، من هم مثل مردم فکر می‌کنم.

● افراد نظرات مختلفی دارند؛ می‌گویند مملکت را فروخت یا ایجاد فساد کرد و یا... نظر شما چیست؟

○ جهت‌گیری کلی‌اش بد بود. یعنی آن مسیری که طی می‌شد، مسیر مناسبی نبود. می‌دانیم که بسیاری از کارهای او در جهت باطل بود. مثلاً آن استقلالی که باید حس می‌شد، نبود و آن ارتباط

تنگناکنی که با آمریکا و یا سایر کشورها بود، نوعی استعمار را بر کشور ما حاکم کرده بود. من از همه بدتر مسئله فرهنگی‌اش را می‌دانم چون معتقدم فرهنگ یک کشور همیشه باید زنده بماند. کشور ما یک بافت سنتی - مذهبی دارد. بگذریم از آن درصد کمی که شاید از کارهایی مثل بی‌حجاب کردن زنان

## ○ شایع است که کیش را خانواده؟

شما در دست دارند یا سوپرا را یا...؟

### ● شایعاتی که در مورد ما

هست، به‌خصوص در مورد

برادرهایم، هیچ‌کدام حقیقت ندارد.

### ● مهم‌ترین مسئله زنان،

تعداد اندکشان در سطوح

بالای مدیریت است.

و پیروی از الگوهای غربی خوششان می‌آید و یا همان را دلیل آزادی زن می‌دانستند. من این را قبول ندارم چون معتقدم آزادی با فرهنگ معنی پیدا می‌کند. آزادی‌ای که در آن زمان ایجاد شد، نبود، برای یک عده خاص بود. اکثر زنان ما خانگی‌نشین شده بودند، کار اجتماعی نمی‌کردند و این به‌نظر من بزرگ‌ترین اشتباه شاه بود که به فرهنگ ما توجه نکرد.

● در مورد مسائل فرهنگی، در شرایط حاضر، چه نظری دارید؟

○ مسائل فرهنگی بیشتر برای زنان مشکل‌زا است و مردان در جامعه ما چندان با این قضیه مشکل ندارند. من فکر می‌کنم آن آزادی که شاه داده بود، در واقع نوعی خیانت به زنان جامعه ما بود چون شما آمار را حتماً دارید، ۵۰ درصد از خانواده‌های ما در آن زمان دخترانشان را به دبیرستان نمی‌فرستادند و این ظلمی بود که در حق دختران مدرسه‌ای ما می‌شد.

● یعنی واقعاً ۵۰ درصد از خانواده‌های ما دخترانشان را به دبیرستان نمی‌فرستادند؟!

○ بله. فکر می‌کنم در جایی دیده‌ام. ولی الان به ده درصد رسیده، یعنی ده درصد از دختران مابه دبیرستان فرستاده نمی‌شوند. اگر شما آمار دانشجویان را نگاه کنید، زمان قبل از انقلاب آمار دختران ده درصد بود و الان ۴۳ درصد است. این نشان دهنده این است که الان به دلیل مسائل اسلامی زن این‌که فرهنگ جامعه با قوانین ما مطابقت پیدا کرده، آرایش و امنیت اعتقادی برای مردم پیدا شده‌است. مثلاً چند درصد از زنان ما آن موقع ورزش می‌کردند؟ شاید یک درصد هم نبودند. ولی الان آمار خیلی بالا رفته و این‌همه نشان دهنده این است که فرهنگ، فرهنگی است که به بافت جامعه ما می‌خورد و ما باید با همین فرهنگ حرکت کنیم.

نتیجه این توجه به فرهنگ اسلام هم همین بوده که

زنان ما فعال‌تر شده‌اند.

● شما به عنوان زنی که دارید وارد عرصه سیاست می‌شوید، اطلاع دارید که چه مقدار از آن فساد گذشته پنهان است و ما نمی‌بینیم؟

○ بله، تا حدودی. من معتقدم زنان ما پیشرفت کرده‌اند، رشد اجتماعی و فرهنگی زنان ما بالا رفته، آمار علمی زنان ما بالا رفته ولی از آن طرف خانواده‌های ما بیشتر از هم پاشیده شده‌اند. این زاینده جوامع صنعتی است و در واقع یک گذار است. اگر مطلق نگاه کنیم، خیلی بد است چون خانواده‌ها از هم می‌پاشند و نیازی نیست زنان به اجتماع بیایند؛ بهتر است در خانه بنشینند تا خانواده‌ها حفظ شود. ولی ما نمی‌توانیم این‌طور با قضیه برخورد کنیم. از یک طرف خوب است که زن‌ها وارد اجتماع شوند، از یک طرف ضایعاتی هم دارد. این فساد هم از ضایعاتی است که حرکت جوامع صنعتی ایجاد می‌کند و جلوگیری هم نمی‌شود کرد. یعنی من معتقد نیستم که می‌شود جلوی اینها را گرفت و با صفرش کرد.

● جای شکرش باقی است که شما مشکلات را انکار نمی‌کنید. بعضی‌ها معتقدند همه جا امن و امان است.

○ نمی‌شود. چیز مطلقاً اصلاً وجود ندارد.

● فکر می‌کنید در مجلس هم بتوانید به همین راحتی حرف بزنید؟

○ فکر می‌کنم بشود، بله. کلاً برنامه‌ام این است که این حرف‌ها را بزمن چون من هیچ‌وقت خودسانسور نبوده‌ام. البته، خوب، راه دارد. این‌که آدم بیاید صراحتاً حرفی را بزند، شاید درست نباشد یا این‌که اصلاً نزند. باید راهش را پیدا کرد.

● در مورد مخالفت‌هایی که گاهی با کنترل جمعیت در ایران می‌شود، نظرتان چیست؟

○ کنترل جمعیت که یکی از سیاست‌های دولت است.

● گاهی می‌بینم کتاب‌ها و مقالاتی علیه این برنامه منتشر می‌شود. مثلاً بعضی از مخالفان معتقدند این طرح یک طرح آمریکایی است و امت اسلام باید جمعیتش زیاد باشد. شما چه می‌گویید؟

○ البته ما رساله‌های مختلف داریم، فتواهای مختلف داریم ولی هرکسی یکی را انتخاب می‌کند و به آن عمل می‌کند من با کنترل جمعیت موافقم. باید انجام شود. منابع مملکت محدود است، امکانات محدود است. اگر جمعیت سرسام‌آور بخواهد بالا برود، چه کسی باید به اینها غذا بدهد؟ چه کسی به اینها سرویس بدهد؟ و این بالاتر از یک مشکل اجتماعی است و همه‌چیز را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد.

● یک سؤال در زمینه ورزش جاماند، شما خودتان ورزش خاصی می‌کنید؟

○ ورزش خاصی نه. من تقریباً همه ورزشی می‌کنم.

● بیشتر چه ورزشی؟

○ والیبال، بسکتبال، شنا، دو میدانی، بدنیتون، پیگ‌بگ، سواری، تیس، ...





● به کدام علاقه خاصی دارید؟

○ نمی‌توانم بگویم. فصلی است.

● مثلاً در فصل بهار چه می‌پسندید؟!

○ منظورم فصل خاصی نیست. می‌گویم دوره‌ای است. مثلاً یک دوره‌ای، یک‌دفعه، به والیبال بند می‌کنم، یک دوره به بسکتبال و یک دوره به تنیس روی میز. الان بیشتر به والیبال بند کرده‌ام یا مثلاً ورزش‌هایی که راحت‌تر است، مثل بدنسازان یا پیگ‌پونگ. چون به‌رحال هر جا که می‌رویم، میز پیگ‌پونگ هست.

● با ورودتان به مجلس فکر می‌کنید باز هم بتوانید همان نظارتی را که بر اینجا داشتید ادامه دهید یا باید مسئولیت‌ها را بسپارید؟

○ البته این تصور غلط در جامعه وجود دارد که ورزش بانوان را من اداره می‌کنم. من از نظر تشکیلات اجرایی هیچ ارتباطی با ورزش بانوان کشورمان ندارم. معاونت ورزش بانوان کشور با خانم طاهریان است و تشکیلات ما هم ربطی به ورزش بانوان ندارد. اینجا شورای همستگی است، با یک تشکیلات بین‌المللی. زمانی که نیاز دارند، کمکشان می‌کنم. در کمیته المپیک هم که هستم، یک پُست تشریفاتی دارم که فقط ماهی یکبار جلسه داریم تا سیاست‌گذاری‌های کلی را انجام دهیم، تصمیم‌گیری‌ها انجام می‌شود و اجرا با دبیر کل است.

● خانم هاشمی تکلیف زنان تماشاچی میادین ورزشی چه می‌شود؟ می‌دانید که یکبار زنان برای تماشای فوتبال به امجدیه رفتند و یک عده ریختند و جنجال به‌پا کردند.

○ این‌طور نبود. رئیس فدراسیون فوتبال اعلامیه داد که ورود خانم‌ها برای تماشای مسابقات آزاد است. این مسئله کمی سرورسدا ایجاد کرد و جوسازی شد.

● شما هیچ برخوردی نکردید؟

○ نه. اصلاً فوتبال به ما هیچ ربطی ندارد.

● چرا ندارد؟

○ خوب، برای این‌که زنان فوتبال ندارند (می‌خندد).

● چرا نباید داشته باشند؟

○ فوتبال برای خانم‌ها اشکال ندارد ولی برای چه ما در مورد فوتبال آقایان اظهارنظر بکنیم؟ اول مشکلات خودمان را حل کنیم، بعد می‌رویم سراغ آقایان.

● چرا اجازه نمی‌دهید زنان خودشان تصمیم بگیرند؟

○ من معتقدم محدودیت‌هایی که زنان تا امروز داشته‌اند، مسئله فرهنگی قرن‌هاست و اگر ما بخواهیم یکبار به این مسائل را از بین ببریم، سقوط می‌کنیم. یعنی همین آزادی‌های نسبی هم که به دست آمده، از بین می‌رود. همان‌طور که سال‌ها و قرن‌ها طول کشیده تا این مسائل ایجاد شده، الان هم زمان می‌برد تا زنان بتوانند جایگاه واقعی خودشان را پیدا کنند. پس هر حرکتی در این زمینه باید با برنامه و حساب‌شده صورت بگیرد.

بعضی‌ها معتقد هستند که تعارضی بین شما  
معتقد ورزش به  
سکوی ریاست جمهوری است  
چه می‌گویید؟



● ولی شما در مورد دوچرخهسواری سنت شکنی کردید.

○ در مورد دوچرخهسواری من انتقادی به قضیه نگاه کرده بودم. گفته بودم که دوچرخهسواری از نظر شرعی اشکال ندارد پس چرا زنان نباید دوچرخهسواری کنند؟ و گفتم اگر افتتاح پارک چیتگر با شیک بهتری انجام می شد، شاید جا می افتاد و هیچ مشکلی هم ایجاد نمی کرد. من گفتم اگر می خواهید کاری را شروع کنیم، باید اصول اجتماعی را در نظر بگیریم والا برای خانم ها شکست است. از آقایان مسئول پارک چیتگر هم خواهش کردیم بدون آن که با کارشناس های این قضیه مشورت کنند، برای خانم ها تصمیم نگیرند که کار ما را مشکل تر می کنند.

● یکی - دو نشریه خیلی به شما انتقاد کرده بودند و یکی شان به شما توصیه کرده بود که برای از بین بردن قبح موضوع قهرمانانه سد شکنی کنید و شخصاً یکی - دو ماه با دوچرخه در معابر عمومی رفت و آمد کنید.

○ فکر نمی کنم که این قضیه این قدر اهمیت داشته باشد که نیاز به بحث باشد. این ها جز های و هوی چیزی نیست.

● ولی گاهی بعضی از گروه های فشار کارها را مختل می کنند.

○ نه، همیشه هم این طور نیست آنها خیلی هم موفق نبوده اند ولی من در مورد خودم قصد برخورد با کسی را ندارم.

● مثل این که در روالتان نیست که برای جایی تکذیبی بفرستید؟

○ معمولاً تکذیبیه برای جایی ارسال می شود که رسمیتی در کشور داشته باشد و یا حداقل منبع اطلاعاتی موثق و معتبری داشته باشد. من تاکنون چنین مطالب موثقی را مشاهده نکرده ام که بخواهم تکذیب کنم. اینها منظورشان این است که جو را متشنج کنند. و خوشبختانه مردم با هوشیاری بسیار زیادی خورده شان به این مطالب پاسخ داده اند.

● خانم هاشمی راستی خودتان هم برای رأی دادن پای صندوق رفتید؟

○ بله، رفته ام پای صندوق ۶۲۳ که حروف ابجدش می شود ورزش بانوان. چون من فعالیت را با ورزش بانوان شروع کردم و موفقیت نیز در همین زمینه بود و ادامه راه نیز با آن بود. خواستم قدردانی خودم را نسبت به ورزش بانوان نشان دهم که فکر نکنند من می روم به دنیای سیاست و ورزش را رها می کنم.

● این به ذهن خودتان رسید یا به شما پیشنهاد شد؟

○ نه، پیشنهاد شد. و من دیدم پیشنهاد خوبی است.



○ فکر می کنید در مجلس هم بتوانید به همین راحتی حرف بزنید؟

● کلاً برنامه ام این است که این حرف ها را بزدم چون من هیچ وقت خودسانسور نبوده ام.

سایر موقعیت ها را داشتید، باز هم رأی می آوردید؟

○ به این زیادی نه.

● چند درصد رأی فعلی را می آوردید؟

○ این به وقت قابل پیش بینی نیست.

● اگر برادر شما هم کاندیدا می شد، فکر می کنید همین قدر رأی می آورد؟

○ نه.

● چرا؟

○ چون جایگاه اجتماعی اش هم مهم است.

● اگر برادران با همین موقعیت ها نامزد نمایندگی می شد چه طور؟

○ با همین موقعیت ها که من داشتم، خوب بله دیگر فرقی نمی کرد.

● یعنی فکر می کنید جنسیت شما در تعداد رأی تان مؤثر نبود؟

○ چرا. جنسیت هم به نظر من مؤثر بود چون مطمئن هستم زن ها خیلی از این قضیه استقبال کردند. آنها جنسیت هم برایشان مهم است. به هر حال، یک زنی که می تواند مدافع آنان باشد، ارجحیت دارد به یک مرد.

● همان زنان انتظار دارند اگر شما در مجلس کاری می کنید، خاص زنان باشد.

○ من کار خاصی زنان می کنم. مطمئناً می کنم ولی

البته پیشنهاد این بود که به صندوق ورزش یا المپیک بروم. من دیدم ورزش بانوان حقیقتاً نسبت به بقیه بیشتر است و آن را انتخاب کردم.

● در صندوق ۶۲۳ به خانم ها هم رأی دادید؟

○ من کلاً به کارگزاران رأی دادم.

● به خودتان هم رأی دادید؟

○ بله، به خودم هم رأی دادم.

● خوب، خانم هاشمی به نظر خودتان چه شد که رأی دوم تهران را آوردید؟

○ دو عامل مهم دارد. مهم ترین عاملش این که خوب، به هر حال، من دختر رئیس جمهور هستم و شاید اکثریت به خاطر ایشان به من رأی دادند یا

به هر حال از رئیس جمهور راضی بوده اند، فکر کرده اند شاید دخترشان هم بتواند کاری انجام بدهد.

● به دلیل شهرت نام هاشمی یا محبوبیت رئیس جمهور؟

○ به دلیل محبوبیت ایشان و کارهایی که انجام داده اند. به هر حال شهرت و محبوبیت با هم ارتباط مستقیم دارد. من فکر می کنم در درجه اول محبوبیت آقای هاشمی و اسم ایشان بود و در درجه دوم فعالیت هایی بوده که من در بخش ورزش بانوان داشتم.

● فکر می کنید اگر فرزند رئیس جمهور نبودید و

محدود به زن‌ها نمی‌شوم. من مطمئناً بیشترین تلاش را برای زنان خواهم کرد و هر کاری از دستم بریاید، می‌کنم. کار خاص هم برایشان انجام می‌دهم ولی نه این‌که فقط بخوام به زنان پردازم. من البته معتقدم این سوال را - که چرا رأی آوردم - باید از مردم بپرسید. آنها بهتر می‌دانند که چرا رأی دادند.

● شما پیش پدرتان هم اعتراف می‌کنید که بخشی از آرایتان به خاطر او بوده؟  
○ بله.

● اگر در یک موردی ایشان نظری خلاف نظر شما بدهد، از آن نظر پیروی می‌کنید؟

○ بله. من در وهله اول سعی می‌کنم ایشان را راضی و متقاعد کنم ولی اگر متقاعد نشوند، به نظر ایشان عمل می‌کنم.

● چرا؟

○ اولاً چون پدرم هستند، ثانیاً این‌که اگر من وارد اجتماع شده‌ام، به خاطر ایشان بوده و هر کاری که ما در اجتماع می‌کنیم، به حساب ایشان تمام می‌شود. ایشان، به هر حال، هم تجربه‌شان از ما بیشتر است، هم سیاست و علم و آگاهی‌شان. ایشان چیزی را می‌بینند که من نمی‌بینم و آینده‌نگرتر از من هستند. من جدا از رابطه پدر و فرزندی، به ایشان و عملشان اعتقاد دارم.

● کلاً در مورد این مسئله که زنان ما وقتی حرکتی در جامعه می‌کنند، می‌گویند پدرشان یا شوهرشان هدایت‌شان می‌کند، چه می‌گویید؟

○ مخالفم.

● پس چه‌طور خودتان چنین نظری دارید؟

○ نه، من خودم حرکت را انجام می‌دهم و فقط با ایشان هم‌فکری می‌کنم ولی نه این‌که مثلاً صبح که می‌خواهم از خانه بیایم بیرون، رنگ بزنم که شما با فلان کار موافقت یا نه؟ گاهی ممکن است اصلاً دو - سه هفته ایشان را نبینم. اما، به هر حال، کارمان را انجام می‌دهیم چون در هر صورت از فکر ایشان اطلاع داریم. ما به هر حال در مکتب ایشان پرورش پیدا کرده‌ایم. من به ایشان صرفاً به چشم پدرم نگاه نمی‌کنم، به عنوان یک مرد سیاسی کارکشته این مملکت نگاه می‌کنم. والا باید از شوهرم هم خط بگیرم، از برادرم هم خط بگیرم.

● تا حالا کاری کرده‌اید که ایشان عصبانی بشود یا بعداً به شما بگوید کارتان کاملاً خطا بوده‌است؟

○ حتماً بوده، نمی‌تواند نباشد (می‌خندد).

● قبل از این‌که کاندیدا شوید، اصلاً فکر می‌کردید چنین رأیی بیاورید؟

○ یک مقداری پیش‌بینی می‌کردم که کاندیدا شدم. به خاطر سابق کارهایم، به خاطر ارتباطی که وجود داشت و ... چون ما اینجا کار مردمی هم انجام می‌دهیم. یعنی می‌توانم بگویم ۶۰ درصد کارهای ما مردمی است. مردم می‌آیند اینجا مشکلاتشان را مطرح می‌کنند و چون این ارتباط نسبتاً قوی بود، احتمال می‌دادم. اگر این‌طور نبود، کاندیدا شدن بی‌عقلی بود.

● فکر می‌کنید چه بخشی از این رأی برمی‌گردد به بعضی اظهارات فرهنگی یا رفتار متمایزی که در سطح جامعه داشتید؟

○ خیلی. درصد بالایی. البته این را دیگران بهتر می‌توانند جواب بدهند.

● شایع است که ابتدا صلاحیت شما به خاطر پوشیدن شلوار جین رد شده بود و بعداً با وساطت تأیید شدید.

○ شایع بود ولی باز هم «شایعه» بود!

● یکی از شایعاتی که رواج داشت، این بود که علت اعلام با تأخیر نتایج آرا در روزهای اول، قرار داشتن شما در بالای جدول بود.

○ نمی‌دانم!

● نمی‌دانید یا نمی‌خواهید جواب بدهید؟

○ نه، نمی‌خواهم جواب بدهم. خردتان که می‌گویید شایعه است.

● من شنیدم، یعنی باز هم شایع بود که در خانواده هاشمی هم در این زمینه ناراضی‌هایی وجود داشته و با رئیس‌جمهور گلایه‌هایی مطرح شده؟

○ یعنی چه؟

● یعنی همین‌که معترض بودند چرا شما از بالای جدول به پایین آمده‌اید؟

○ نه (می‌خندد).

● نبوده یا نمی‌خواهید جواب بدهید؟

○ نه، چنین چیزی نبوده.

● در جریان کاندیدا شدن شما مادران چه نقشی داشت؟ حمایت‌کننده و مشوق بود؟

○ بله، مشوق بودند و خیلی در این قضیه کمک کردند.

● با پدر هم مشورت کردید؟

○ بله. به‌طور کلی من تصمیم‌گیری را گذاشتم برای خود ایشان.

● بالاخره گفتند کاندیدا بشوید یا نه؟  
○ بله.

● سر صندوق هم تا آنجا که من یادم هست، یک حمایت ضمنی کردند که یکی از ویژگی‌های این انتخابات این است که خانم‌ها بیشتر شرکت کرده‌اند و نشان می‌دهد که دارای استقلال رأی سیاسی هستند. و بنا به قضاوت عمومی، به نوعی از شما هم حمایت کردند.

○ (می‌خندد) این برداشت مردم است ولی خوب ما می‌دانیم که آقای هاشمی همیشه یکی از مهم‌ترین مدافعان حقوق زن بوده. هر سخنرانی که داشته‌اند، همیشه در صحبت‌هایشان به خانم‌ها اشاره کرده‌اند.

سلباً در این مورد هم همین‌طور بوده و خوشحال شده‌اند که نسبت به دوره‌های قبل کاندیدای زن بیشتری وجود دارد. من بعید می‌دانم که فکر ایشان حمایت از من بوده باشد.

● فکر می‌کنید به شما رأی دادند؟

○ بله، رأی دادند (می‌خندد).

● خودشان گفتند؟

○ بله، (باز هم می‌خندد).

● مشکلاتی هم برای تبلیغات انتخاباتی داشتید؟

○ نه، مشکلی نداشتم.

● هیچ‌شده برای سخنرانی به مسجدی بروید، همان‌طور که مردها می‌روند؟

○ بله، اکثر سخنرانی‌هایم داخل مسجد بود.

● بالای همان منبری که در قسمت مردان قرار داشت، می‌رفتید؟

○ پشت تریبون می‌رفتم.

● بعضی‌ها رفتار و اظهارات شما را در جهت



### ● دخترم؛ درباره عکس‌های

تبلیغاتی من که جلوی مدرسه‌شان

زده بودند، می‌گفت:

«تو آبروی ما را بردی، چرا

عکست را آنجا زده بودند؟»

ولی حالا خیلی خوشحال است.

○ اگر فرزند رئیس‌جمهور نبودید،

باز هم رای می‌آوردید؟



تهاجم فرهنگی دانسته‌اند، از جمله جین پوشیدنتان را.

○ عمل من نشان دهنده نظرم است. ضمناً من جین را اصلاً غربی نمی‌دانم. جین به دلیل راحتی‌اش، شست‌وشوی راحتش و این‌که اتو نمی‌خواهد، خصوصیات خوبی دارد و قابل استفاده‌تر از پارچه‌های دیگر است. مگر ما لباس‌های دیگرمان مال خود ایران است؟ ما لباس ایرانی خاصی غیر از چادر نداریم. لباس‌های زیر چادر ما همه لباس‌هایی است که در غرب هم استفاده می‌شود. کت‌وشلوار آقایان هم غربی است. قبلاً برای خانم‌ها شلیته و این‌طور چیزها بوده، الان چه‌طور می‌شود از آن استفاده کنیم؟

● راجع به چادر صحبت کردید. نظرتان راجع به چادر چیست؟

○ خوب، چادر حجاب برتر است. جزو سنت‌های ما بوده و در واقع غیر از حالت مذهبی - سنتی نشانه ایرانی بودن ما هم هست. چون تنها کشوری که چادر دارد، ما هستیم. من در کل چادر را قبول دارم ولی اجبارش ضرورتی ندارد. به‌خصوص در کشورهای خارجی و سفرهای رسمی بیشتر ندم می‌خواهد چادر سر کنم چون نشان‌دهنده ایرانی بودن ماست.

● تصمیم ندارید بعد از این‌که وارد مجلس شدید، با کارگزاران فراکسیونی تشکیل بدهید؟

○ کارگزاران هنوز خیلی جدید هستند. یعنی یک کار خیلی نو و خیلی فوری بود. باید دید در دور دوم چه اتفاقی می‌افتد و چه کسانی به مجلس می‌روند. البته من معتقدم آدم نباید خودش را به یک جناح محدود کند و فقط در قالب آن جناح حرکت کند. باید فکر مستقل داشت و با همه افراد همکاری کرد. به‌هرحال، من خودم کاندیدای کارگزاران بوم و حتماً به آنها و اهداف و شعارهایشان اعتقاد داشتم که وارد لیست‌شان شدم. مسلماً در مجلس با کارگزاران ارتباط خواهم داشت. در عین این‌که، با حفظ استقلال، با همه هم ارتباط خواهم داشت.

● با زنانی که وارد مجلس می‌شوند، چه‌طور؟ نمی‌خواهید فراکسیون مستقلی تشکیل دهید؟

○ چرا. اعتقاد دارم زن‌ها در مجلس باید با هم یک اتحادی داشته‌باشند و با هم برنامه‌ریزی بکنند و حتماً باید همکاری داشته‌باشند.

● اگر قرار باشد اتحادی با کارگزاران داشته‌باشید، فکر می‌کنید نقش شما در مقام نماینده دوم تهران چیست؟

○ البته می‌دانید که مجلس با آرای بیرون فرق می‌کند. یعنی کسی که بیرون رأی خوبی داشته، الزاماً در مجلس هم به‌عنوان نفر اول و دوم مطرح نمی‌شود. برمی‌گردد به عمل فرد که تا چه حد مثبت و فعال برخورد کند و تا چه حد بین سایر نمایندگان جا بیفتد و الان زود است که من در این مورد صحبت کنم. به‌هرحال، برنامه‌ام این است که یک نماینده فعال باشم. می‌خواهم همان‌طور که رأی خوبی به‌دست آوردم، در مجلس هم عملکرد خوبی

داشته‌باشم.

● مهم‌ترین مسائل زنان، که فکر می‌کنید در مجلس باید به آنها پرداخته شود، چیست؟

○ مهم‌ترین مسئله زنان، تعداد اندکشان در سطوح بالای مدیریت است. اگر این مشکل حل شود، سایر مسائل، خودبه‌خود، حل می‌شود. وقتی یک زن جایگاه خوبی در سیاست‌گذاری‌های کلان داشته‌باشد، می‌تواند مسائل زنان را آنجا مطرح کند. دومین مسئله‌ای که باید به آن پرداخته شود، مسئله حقوق مدنی است. من به دلیل همان مراجعات مردمی که خدمتان گفتم، می‌دانم که متأسفانه در دادگاه‌ها به زن‌ها اجحاف می‌شود و معتقدم این قانون اسلام نیست. اسلام دینی است کامل که به ریزوی مسائل زنان و مردان پرداخته و برای هر کدام از آنها قانون دارد. اگر هرکدام از آن قوانین منتقل شود به قانون مدنی، وضعیت زن‌ها خیلی بهتر از این خواهد شد.

● مورد خاصی به‌نظرتان می‌رسد؟

○ مثلاً مسئله ازدواج مجدد. ظاهر امر این است که اسلام ازدواج مجدد آقایان را پذیرفته و از نظر شرعی هم هیچ مشکلی ندارد ولی اگر در این مطلب دقیق شویم، می‌بینیم که قوانین ریزی دارد: یکی این‌که از نظر عاطفی باید عدالت را رعایت کند. خوب این را کدام مردی می‌تواند رعایت کند؟ اگر این را جزو قانون قرار دهیم، هیچ مردی موفق نمی‌شود چنین کاری بکند. یا مثلاً بعضی زنان می‌گویند شوهر من رفته زن گرفته و ما را رها کرده و قانون هم به او چیزی نمی‌گوید چون می‌گویند کار خلاف شرع نکرده. مرد باید از نظر اقتصادی، عاطفی و سایر جنبه‌ها عدالت را رعایت کند. ولی مردی که زن اولش را رها می‌کند، حتی اگر خرجی هم ندهد، قانون نمی‌تواند با نمی‌خواهد جلوی او را بگیرد. این خلاف اسلام است.

● برای این‌که جلوی این کار گرفته شود، فکر می‌کنید ابتدا چه کاری باید انجام شود؟

○ خوب باید قانون‌گذاری شود چون حقوق مدنی ما...

● فکر نمی‌کنید باید یک اجتهاد جدی در مورد مسائل زنان صورت بگیرد؟

○ اگر چند فقیر و حقوقدان اینها را مطالعه کنند، کار کارشناسی کنند، چیزی نه مخالف قانون درمی‌آید نه مخالف مذهب. ما که نمی‌خواهیم حرف خلاف اسلام و رساله بزیم. همان حرف‌های در چارچوب اسلام را می‌زنیم. رسیدگی به این مسائل کار کارشناسی خیلی زیادی می‌خواهد و آن‌وقت هر عقل سلیمی آن را قبول می‌کند ولی باید جدی روی آن فکر شود. ما قانون می‌خواهیم و بعد اجرا. مهم‌تر از خود قانون اجرای آن است که مجلس می‌تواند در این مورد نقش بسیار عمده‌ای داشته باشد.

● بنابراین، تعداد بیشتر نمایندگان زن در مجلس را ضروری می‌دانید؟

○ بله، لازم است چون ما زن‌ها معتقدیم که برای

رسیدن به پُست‌های بالا و فعالیت‌های اجتماعی باید تعداد زنان بیشتر باشد. زن‌های ما تازه وارد. صحنه اجتماع شده‌اند و این برمی‌گردد به آن ظلم تاریخی که در حق آنها شده است.

● مهم‌ترین مصداق این سطوح بالای مدیریت چیست؟

○ بالاترین سطح در بُعد اجرایی می‌شود رئیس‌جمهور. اسلام گفته زن فقط نمی‌تواند قاضی باشد ولی همه کارهای دیگر را می‌تواند انجام دهد.

● قضاوت هم می‌تواند بکند.

○ یعنی ما فتوای داریم که زن بتواند قاضی شود؟

● در میان مراجع و فقهای معاصر کسانی هستند که صراحتاً دلایل منع قضاوت زنان را مردود می‌دانند و قضاوت زن را تجویز می‌کنند.

○ حضرت امام هم می‌گفتند؟

● نخیر، ایشان مرد بودن را شرط می‌دانستند.

○ در رساله‌شان چه گفته‌اند؟

● این موارد که در رساله نیامده، در تحریرالوسیله آمده است.

○ طبق اطلاعاتی که من دارم، زن نمی‌تواند قاضی بشود ولی هر کار دیگری می‌تواند داشته باشد.

● در شرایط حاضر به ریاست مجلس هم فکر می‌کنید؟

○ نه (می‌خندد).

● چرا؟

○ فعلاً در این خط نیست!

● چرا؟ شما که گفتید خانم‌ها باید به سطوح بالای مدیریت برسند!

○ خوب برسند، نباید که همه چیز در مورد شخصی من انجام بشود.

● چرا؟ شما به عنوان زنی که رأی دوم تهران را آورده‌اید، چرا نباید تا سطوح بالا بروید؟

○ تا زمانی که مرحله دوم انتخابات برگزار نشود و نماینده‌ها معلوم نشوند، صحبت در مورد این چیزها زود است.

● پس نمی‌خواهید صحبت کنید؟

○ نه، واقعاً در فکرش نیستم. چون به هر حال با شرایط اجتماعی حاکم هنوز زود است.

● نمی‌پذیرند؟

○ نه، من اصلاً در موردش این‌طور که شما مطرح می‌کنید، فکر نکرده‌ام.

● به ریاست جمهوری چه‌طور؟

○ نه آخر من تازه دارم وارد سیاست می‌شوم.

● بعضی‌ها معتقد هستند که نمایندگی شما مقدمه پرش به سکوی ریاست جمهوری است.

○ نه، این تفاسیری است که دیگران و به‌هرحال محافل مطبوعاتی و خبرنگاری جامعه خودمان می‌کنند. من با این تصور و تفکر به این وادی وارد نشده‌ام. اصلاً به نظر من حرف زدن در این مورد زود است.

● در درازمدت چه‌طور؟

○ نه، فعلاً چنین برنامه‌ای ندارم و نمی‌توانم صد سال آینده را پیش‌بینی کنم (می‌خندد)!

